

## آیت الله منتظری

## نقش پورمحمدی در اعدامهای سال ۶۷ را تأیید کرد



دو روز پس از آنکه گروه دیده بان حقوق بشر با انتشار گزارش مفصلی وزیران کشور و اطلاعات دولت محمود احمدی نژاد را به جنایت علیه بشریت متهم کرد، دفتر آیت الله منتظری تأیید کرد که این مرجع شیعه همان گونه که این گروه به خاطرات و مکاتبات وی استناد کرده، مصطفی پورمحمدی وزیرکشور کنونی ایران را از مسئولان اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸ می داند. دیده بان حقوق بشر با استناد به خاطرات آیت الله منتظری که در سایت اینترنتی وی در دسترس همگان قرار گرفته، از مصطفی پورمحمدی به عنوان عضو هیئت سه نفره ای نام برده که در تابستان سال ۱۹۸۸ میلادی هزاران تن از زندانیان سیاسی را که در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند مورد بازجویی قرار دادند و به تشخیص خود دستور اعدام شمار زیادی از آنان را صادر کردند. گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد شمار زندانیان سیاسی را که بدین شیوه و به صورت دسته جمعی اعدام شدند، ۱۸۷۹ نفر اعلام کرده، هرچند آیت الله منتظری این رقم را در خاطرات خود ۲۸۰۰ یا ۳۸۰۰ نفر دانسته و گروههای مخالف جمهوری اسلامی نیز فهرستی از نامهای ۴۴۸۱ نفر منتشر کرده اند که به گفته آنان در این کشتار دسته جمعی جان باخته اند. دیده بان حقوق بشر در مطرح کردن نام مصطفی پورمحمدی به عنوان یکی از مسئولان اصلی کشتار این زندانیان به بخشی از خاطرات آیت الله منتظری اشاره کرده که در آن زمان قائم مقام رهبر ایران بوده و به این اعدامها اعتراض کرده و در بیان خاطرات خود گفته است: "اول محرم شد، من آقای نیری که قاضی شرع اوین و آقای اشراقی که دادستان بود و آقای رئیسی معاون دادستان و آقای پورمحمدی که نماینده وزارت اطلاعات بود را خواستم و گفتم الان محرم است حداقل در محرم از اعدامها دست نگه دارید، آقای نیری گفت ما تا الان هفتصدوپنجاه نفر را در تهران اعدام کرده ایم، دویست نفر را هم به عنوان سر موضع از بقیه جدا کرده ایم کلک اینها را هم بکنیم

... "آن گونه که در گزارش دیده بان حقوق بشر نقل شده، آیت الله منتظری همچنین در آن زمان یادداشتی خطاب به آقای پورمحمدی و دیگر اعضای هیئت سه نفره نوشته و در آن علاوه بر اینکه اعدام زندانیان سیاسی را "قتل عام بدون محاکمه" دانسته، هشدار داده که با چنین اقدامی، دنیا ایران را محکوم می کند.

مصطفی پورمحمدی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ رئیس اطلاعات خارجی، معاون و قائم مقام وزارت اطلاعات ایران بوده و قتل چهار فعال سیاسی و نویسنده ناراضی ایرانی به دست مأموران وزارت اطلاعات که در پاییز سال ۱۹۹۸ انجام گرفت در



دوران مسئولیت او رخ داد. در مورد غلامحسین محسنی اژه ای، وزیر اطلاعات دولت محمود احمدی نژاد، در گزارش دیده بان حقوق بشر آمده او که به عنوان دادستان ویژه روحانیت و همچنین رئیس مجتمع قضائی کارکنان دولت که رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را برعهده داشت یکی از چهره های کلیدی و اصلی پیگرد و بازجویی از روحانیون اصلاح طلب و سیاستمداران و همچنین سرکوب آزادی مطبوعات در ایران بوده است. در این گزارش آمده که اکبر گنجی، روزنامه نگار منتقد، آقای اژه ای را صادرکننده دستور قتل پیروز دوانی، دگراندیش و فعال سیاسی دانسته، عبدالله نوری وزیرکشور دولت خاتمی و عمادالدین باقی دیگر روزنامه نگار ایرانی اتهام مشابهی علیه او مطرح کرده اند. دستگاه قضائی جمهوری اسلامی اینکه پیروز دوانی به قتل رسیده باشد را تأیید نکرده و آقای اژه ای نیز در نشست خبری گفته است که پیروز دوانی را نمی شناسد. دیده بان حقوق بشر در پایان گزارش خود ضروری دانسته که دولت ایران تحقیقاتی وسیع، بی طرفانه و مستقل در مورد عملکرد مصطفی پورمحمدی و غلامحسین محسنی اژه ای بکند و از محمود احمدی نژاد خواسته است تا زمانی که نتیجه این تحقیقات مشخص شود این دو وزیر را از دولت خود کنار بگذارد. این گروه از مجلس ایران خواسته است که اگر رئیس جمهور حاضر به برکنار کردن وزیران کشور و اطلاعات دولت خود نشود و دستور تحقیقات مستقل برای رسیدگی به اتهامات آنان ندهد، از طریق رأی عدم اعتماد به این دو وزیر آنان را از سمتشان کنار بگذارد و خود به تشکیل هیئت

مستقلی در این زمینه اقدام کند.

## اعلام آمادگی کانون مدافعان حقوق بشر برای پذیرش وکالت

### خانواده قربانیان سقوط هواپیمای ارتش

کانون مدافعان حقوق بشر برای پذیرش وکالت خانواده‌های قربانیان سقوط هواپیمای C-130 ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام آمادگی کرد. محمد سیف‌زاده، عضو کانون مدافعان حقوق بشر با اعلام این خبر در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، همچنین خواستار تشکیل کمیته‌ای حقیقت‌یاب مستقل از حکومت برای پیگیری علت سقوط هویمای C-130 ارتش شد و ابراز امیدواری کرد که دستگاه قضایی هر چه سریع‌تر به این موضوع رسیدگی و نتیجه آن را به اطلاع افکار عمومی برساند. وی افزود: شایعات زیادی در این زمینه مطرح می‌شود که کمیته حقیقت‌یاب می‌تواند صحت یا عدم صحت آن را روشن کند.



### تجمع اعتراض آمیز در دانشگاه تهران



بیش از دویست نفر از دانشجویان دانشگاه تهران روز یکشنبه ۲۰ آذر جلوسر در دانشکده فنی تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند. این دانشجویان که بیشتر گرایشهای چپ داشتند با شعار دادن و به نمایش درآوردن پلاکاردها به احکام صادره برای فعالان کارگری و محدودیتهای موجود در دانشگاه اعتراض کردند. تجمع کنندگان سپس با راهپیمایی در محوطه دانشگاه حرکت اعتراضی خود را ادامه دادند. "دانشجو دانشجو اتحاد اتحاد"، رئیس انصابی استعفا استعفا، "دانشجو کارگر اتحاد اتحاد" و "دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد" از شعارهای آنان بود. این تجمع بدون درگیری و خشونت به پایان رسید. نکته جالب اینکه این، اولین تجمعی است که بدون حضور انجمن اسلامی در دانشگاه تهران برگزار می‌شود

## مرگ گنجی در زندان رویدادی بین المللی برای ایران

اکبر گنجی زندانی تکیده و لاغر زندان اوین، که مطبوعات ایران اجازه ندارد اخبار او را منتشر کنند. بخشی از بدن و پاهای او بر اثر شکنجه شدیداً مجروح شده است. ظاهراً چند ماه دیگر باید دوران محکومیت و زندان او خاتمه یابد، اما بعید است که او را آزاد کنند و این درحالی است که کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد نیز بارها و بارها از مقامات مسئول جمهوری اسلامی خواستار آزادی او شده است. اگر او در زندان جان بسپارد، فشار تبلیغاتی سنگینی متوجه جمهوری اسلامی خواهد شد. فعالیت پشت پرده زیادی برای آزادی او جریان دارد، اما به نظر می‌رسد مخالف سرسخت آزادی او، تنها قوه قضائیه نیست! شواهدی در دست است که علیرغم همه این فشارها، وی که سمبل زندانیان و ناراضیان جمهوری اسلامی شده همه تکنیک‌های ویژه زندانبانان زندان مخوف اوین را تاکنون از سر گذرانده و بر نظرات خود پافشاری می‌کند.



اکبر گنجی از آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی خواسته است تا در یک انتخابات عمومی شرکت کند.

### افزایش زنان مبتلا به ایدز و اعتیاد در ایران

مسئولان جامعه هشدار داده‌اند که آمار زنان مبتلا به ایدز در ایران رو به افزایش است. به گفته خسرو منصوریان، مدیرعامل انجمن حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی، ۷۳ درصد از کسانی که برای دریافت خدمات مددکاری به این نهاد مراجعه می‌کنند، زنان جوان مبتلا به ایدز یا اعتیاد هستند. انجمن حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی، یک خط تلفن ویژه، یا «Hot Line» اورژانس اجتماعی راه‌اندازی کرده، که به گفته مدیرعامل این انجمن، مراجعان اصلی به این خط، زنان هستند. به گفته کارشناسان، پنهان‌کاری رسانه‌های دولتی در این زمینه، مسئله مبارزه با ایدز و پیشگیری از شیوع ویروس «HIV» را دشوارتر کرده است. به عقیده آنها، هنوز درصد قابل توجهی از افراد مبتلا به ایدز، یعنی زنانی که از طریق جنسی به این بیماری مبتلا شده‌اند، شناسایی نشده‌اند. از سویی، به گفته کارشناسان، ترس



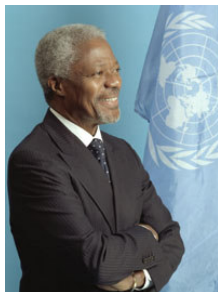
کاندیدا، برای ریاست سازمان ملل متحد از سوی سازمان «برابری، هم اکنون» مطرح شده‌اند. دبیرکل سازمان ملل متحد، رسماً از سوی مجمع عمومی این سازمان، و با پیشنهاد شورای امنیت، برای پنج سال انتخاب می‌شود. احتمال داده می‌شود که این بار، نوبت کاندیدایی از آسیا باشد تا این پست را اشغال کند. سازمان «برابری، هم اکنون» هم در لیست خود نام سه زن را از آسیا مطرح کرده‌است. با این حال، لوئیز آربر، رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته‌است که تنها تا پنج و یا حتی ده سال دیگر، این سازمان آماده یک دبیرکل زن خواهد شد. وی گفته‌است، اما هر گاه چنین اتفاقی بیفتد، پیروزی سمبولیکی برای حقوق زنان در سراسر دنیا به شمار خواهد آمد؛ و رسیدن به زنان به پست‌های مهم، به زنان جهان نشان می‌دهد که آنها نیز می‌توانند به مقام رهبری برسند.

### متهم به جنایت علیه بشریت به خاطر کشتار مردم اندیجان

زاکرجان آلماتوف Zakerjan Almatov، وزیر کشور ازبکستان به جنایت علیه بشریت در جریان نا آرامی های اندیجان متهم شد. سازمان دیدبان حقوق بشر با اعلام این موضوع خواستار دستگیری آقای آلماتوف و محاکمه وی توسط دستگاه قضایی آلمان شد. زاکرجان آلماتوف درحال حاضر به منظور انجام معاینات پزشکی در آلمان بسر می برد. برابر آمارهای دولتی در نا آرامی های اندیجان ۱۸۷ نفر که مقامات ازبک آنان را "تروریست" میخوانند، کشته شدند. این در حالیست که به اعتقاد مدافعین حقوق بشر، تعداد کشته شدگان بسیار بیشتر از آمار ارائه شده است و شهروندان عادی را نیز در بر می گیرد.

### شکنجه هرگز وسیله‌ای برای مبارزه با ترور نیست

دبیرکل سازمان ملل همزمان با روز بین‌المللی حقوق بشر، اعلام کرد، "شکنجه هرگز نمی‌تواند ابزاری برای مبارزه با ترور باشد، چرا که خود شکنجه، ابزار ترور است."



"کوفی عنان" در یک پیام، از تمامی کشورها خواست به قوانین تصویب شده در مورد منع شکنجه احترام گذاشته و با بخشودگی کسانی که مرتکب آن می‌شوند، به شدت مبارزه کنند.

زنان خیابانی از برخوردهای قانونی، موجب شده که آنها، حتی در صورت اطلاع از ابتلا به ویروس ایدز، برای تشخیص و مشاوره به پزشک مراجعه نکنند، و در نتیجه دسترسی به سیستم درمانی نداشته باشند. یک عضو کمیته کشوری مبارزه با ایدز گفته‌است، از آنجا که مردان، به ویژه معترضان در طرح غربال‌گیری مورد بررسی قرار می‌گیرند، اغلب مبتلایان به ایدز، از میان مردان کشف می‌شوند. اما زنان، چون مشمول این طرح نیستند، بسیاری از آنها که بخصوص از طریق روابط جنسی مبتلا به این بیماری شده‌اند، هنوز شناسایی نشده‌اند. کارشناسان، با اشاره به این موارد و با انتقاد از بی‌توجهی مسئولان می‌گویند، در شرایط افزایش فرار دختران و زنان و جوان از خانه، فقدان آموزش مناسب به دختران در حال بلوغ، و نبود کنترل و ساماندهی مناسب زنان خیابانی، بیم آن می‌رود که در آینده‌ای نزدیک، ایران در زمره کشورهای نوار سیاه «HIV» قرار گیرد.

### تلاش زنان برای مقام دبیرکل سازمان ملل

زنان برای احراز پست‌ها و مقامات مهم در سطح بین‌المللی گام‌های جدی برمی‌دارند. سال آینده، دوره تصدی پست دبیرکل سازمان ملل متحد توسط آقای کوفی عنان به پایان می‌رسد. سازمان «برابری، هم اکنون!» که برای برابری حقوق زنان فعالیت می‌کند، از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته است که زمینه‌ها و امکانات لازم نامزدی زنان برای احراز این پست را در نظر بگیرد.



سازمان «برابری، هم اکنون»، یا «Equality Now» می‌گوید در ۶۰ سالگی که از تاسیس سازمان ملل متحد می‌گذرد، هیچگاه یک زن ریاست این سازمان را بر عهده نداشته است. و این در حالی‌است که کاندیداهای زن بسیاری برای احراز این پست مطرح بوده‌اند. این سازمان که برای برابری حقوق زنان و مردان در سراسر جهان فعالیت می‌کند، لیستی را شامل ۱۸ کاندیدای زن، برای پست دبیرکل سازمان ملل متحد مطرح کرده‌است، که نفیس صدیق از پاکستان، که پیشتر مدیریت برنامه جهانی سازمان ملل متحد را بر عهده داشت، و نیز آن سانگ سوچی، برنده جایزه نوبل صلح سال ۱۹۹۱ از برمه، جزو آن هستند. لوئیز آربر، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، و ثریا عبید، مدیر اجرایی سازمان ملل متحد از عربستان سعودی نیز، از دیگر کسانی هستند که به عنوان

انداختند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، ویکتور مونتگلیو دادستان دادگاه پس از جلسه سه ساعته ای که پشت درهای بسته برگزار شد گفت: شرکت کنندگان رفتار در خور توجهی داشتند. این رویارویی بی سابقه، پینوشه را که طی سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ کشور را با سیاست مشت آهنین اداره کرده، در مقابل کونترراس پایه گذار دینا به اتهام کشتار بیش از ۳ هزار تن در عملیات کلمبو (براساس آمارهای رسمی) قرار داد. پینوشه تاکنون به دلیل هیچ جنایتی محاکمه نشده است اما کونترراس ۷۶ ساله به دلیل اتهامات مربوطه به ۱۲ سال زندان محکوم شده است. دینا متهم به قتل ۱۱۹ تن از اعضای جنبش چپ گرای انقلاب و انتشار گزارش های دروغ درباره این درگیری ها در یک مجله در برزیل و آرژانتین است. پابلو رودریگز و کیل مدافع پینوشه گفت که دینا یک نهاد دولتی بوده و مستقیماً به دولت خونتای حاکم پاسخ می داده است. وی گفت: ژنرال پینوشه با رئیس دینا تماس داشته اما هیچ گزارشی به کمیسیون جرایم داده نشده است. رویارویی این دو به درخواست تیم دفاعی کونترراس و به دلیل کنار کشیدن پینوشه از نقض حقوق بشر توسط دینا صورت گرفت. پینوشه مدعی است که هیچ اطلاعی از عملیات کلمبو نداشته است. وی مدعی شد: من هرگز کاری شبیه این انجام نادم چرا باید از دینا دفاع کنم در حالی که چیزی نمی دانم. اما عوامل سابق دینا می گویند که پینوشه مقام ارشد این سازمان بوده و کونترراس پس از وی قرار داشته است. پینوشه گفت: مانوئل کونترراس تا آنجا که می توانم بگویم می خواست کنترل کشور را در دست داشته باشد اما نمی توانم چیز بیشتری به یاد آورم. با این حال تا آنجا که می دانم او از تصاویر برای متهم کردن راهبه های کاتولیک به روسپی گری استفاده می کرده است. پینوشه در سال ۱۹۷۸ کونترراس را از ریاست دینا بر کنار کرد و سازمان جدیدی تشکیل داد. کونترراس در ژانویه به اتهام ناپدید کردن و قتل اعضای جنبش انقلاب به ۱۲ سال زندان محکوم شد، اما می گوید که پینوشه نیز باید در این باره پاسخگو باشد. وی قبل از دستگیری اش گفت: پینوشه رئیس دینا بود و باید درباره هرچه در شیلی رخ داده پاسخگو باشد من از دستورات او پیروی می کردم. اعضای جنبش انقلاب در دهه ۷۰ با توطئه دیکتاتوری های نظامی آمریکا مخفیانه به آرژانتین و برزیل برده شدند و اجساد آنها در دیگر کشورها نظیر بولیوی، پاراگوئه و اروگوئه دفن شد. زمانی که از

وی همچنین کشورهایی را که تاکنون قوانین مرتبط با منع شکنجه را به تصویب نرسانده اند، تشویق کرد، گامهای عملی در این مسیر بردارند. دبیرکل سازمان ملل همچنین از تمامی کشورها خواست به کارشناسان این سازمان در مورد شکنجه، اجازه دسترسی آزادانه به زندانیان را بدهند.

آمریکا از جمله کشورهایی است که به بازرسان این سازمان اجازه نمی دهد از زندانهای ویژه این کشور که تحت عنوان مبارزه با تروریسم شکل گرفته، بازدید کنند. در تازه ترین این موارد، واشنگتن با دسترسی بازرسان حقوق بشر سازمان ملل به زندان گوانتانامو و گفت و گو با زندانیان این زندان مخالفت کرد.

عنان در پیام خود اظهار داشت: دسترسی نامحدود، یک مساله ضروری برای حفاظت از اشخاص در زندان است. زیرا انزوا، این افراد را درمقابل بدرفتاری بسیاری آسیب پذیر می کند. ما باید به زندانیانی که مورد بدرفتاری قرار گرفته اند و تمامی قربانیان و بازماندگان شکنجه قوت بیان و جبران دهیم. وی ضمن تصدیق اینکه تهدید ترور بسیار واقعی و فوری است، افزود: ترس از تروریست ها هرگز نمی تواند بکارگیری روش های آنان را توجیه کند. عنان گفت: شکنجه هرگز نمی تواند به عنوان ابزاری برای مبارزه با ترور بکار گرفته شود، زیرا شکنجه خود ابزار ترور است. این جملات عنان بسیار نزدیک به اظهارات روز چهارشنبه رییس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل است که فریاد اعتراض واشنگتن را بلند کرد. آمریکا می گوید، شکنجه برای "مبارزه با تروریسم" ضروری است، چرا که شکنجه نوعی "روش ضد تروریستی" است. پس از آنکه "لوئیس آربور" بطور حتی غیرمستقیم آمریکا را به خاطر مشروعیت دادن به شکنجه در روند مبارزه با تروریسم مورد حمله قرار داد، واشنگتن بلافاصله این اظهارات او را سرزنش کرد. مقامهای آمریکایی در همین ارتباط گفتند که زیر سوال بردن اعمال دولت آمریکا بر اساس گزارش های مطبوعات از جانب خانم آربور، غیرمسئولانه و خلاف است.

### جنایتکاران شیلی همدیگر را متهم می کنند

پینوشه و مانوئل کونترراس، رئیس سابق سازمان اطلاعات که زمانی قدرتمندترین مردان شیلی شمرده می شدند، اداره خوفناک ترین پلیس شیلی را که دینا نامیده می شد، به گردن یکدیگر



نامعلوم برده می شوند. از آن سو که هیچ مرجعی در کشورها این وضعیت را مورد بررسی دقیق قرار نمی دهد باید هرچه سریع تر کشورها نسبت به رسیدگی به این امر و تصویب مجازات علیه سوءاستفاده کنندگان از کودکان تدبیری بیندیشند. بسیاری از کودکان در معرض خطر از خانواده های مشکل دار هستند، تعداد زیادی از این کودکان در کشورهای در حال توسعه متولد می شوند که بیش از نیمی از این کودکان امکان دریافت شناسنامه ندارند. چین از جمله همین کشورها است که کودکان در هنگام تولد در آن ثبت نمی شوند و امکان بهره برداری از امکانات آموزشی، بهداشتی و... را ندارند. براساس همین آمار ۱۷۱ میلیون کودک در مناطق خطرناک مجبور به کارهای سخت هستند و صدها هزار کودک در جنگ ها مجبور به فعالیتند. «آن ونمان» مدیر اجرایی یونیسف به هنگام ارائه این گزارش در لندن گفت: «برآورده کردن اهداف توسعه هزاره به دسترسی به کودکان آسیب پذیر در کشورهای در حال توسعه جهان بستگی دارد.» وی افزود: در صورتی که نیازمندترین، فقیرترین و آسیب پذیرترین کودکان و کودکانی که مورد سوءاستفاده و بدرفتاری قرار می گیرند، همچنان نادیده گرفته شوند، پیشرفت های بادوام در این زمینه ایجاد نمی شود. اهداف توسعه هزاره که پنج سال توسط سران جهان در اجلاس سازمان ملل تنظیم شده و سپتامبر گذشته مورد بازنگری قرار گرفت، با تعهدی برای کاهش فقر شدید تا نیمه سال ۲۰۱۵ آغاز شد. کاهش دوسومی میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال، برخورداری تمام دختران و پسران از تحصیلات ابتدایی و توقف شیوع ایدز و ابتلا به مالاریا از دیگر اهداف است. گزارش یاد شده یونیسف در صفحات اولیه خود استدلال کرده است که باید به کودکانی که در حال حاضر از خدمات ضروری و حمایت محروم هستند، توجه بیشتری شود. در این گزارش آمده است: «تا زمانی که به تعداد بسیار بیشتری از این کودکان دسترسی پیدا نشود، چندین مورد از اهداف توسعه هزاره- به ویژه در زمینه هدف برخورداری (کودکان) جهان از تحصیلات ابتدایی- به موقع و به طور کامل تحقق نمی یابد. کودکانی که در فقیرترین کشورهای جهان زندگی می کنند، با تبعیض روبه رو هستند، در درگیری های نظامی دستگیر یا دچار ایدز می شوند و یا به دلیل ثبت نشدن نام آنها در هنگام تولد فاقد

پینوشه در این باره توضیح خواسته شد در جواب گفت: من رئیس جمهور بودم، درباره این موضوعات کوچک به من چیزی گفته نمی شد.

### درگیری پلیس با معترضین به اجلاس سازمان تجارت جهانی

در جریان اجلاس سازمان تجارت جهانی، پلیس هنگ کنگ با استفاده از گاز اشک آور، اسپری فلفل، باتون و فشار آب، با تظاهر کنندگان معترض به سیاست های این سازمان درگیر شد. جدی ترین برخورد میان تظاهر کنندگان علیه سازمان تجارت جهانی و نیروهای انتظامی در هنگ کنگ، عصر شنبه به وقوع پیوست، که طی آن، تعدادی از هزاران تظاهر کننده، زنده های فلزی که آنان را از محل اجتماع دور نگه می داشت، از جا کنند و از آن به عنوان وسیله ای برای شکستن سد انسانی ایجاد شده توسط نیروهای پلیس استفاده کردند. نیروهای انتظامی مهاجمان را مورد ضرب و شتم قرار دادند تا از پیش روی آنها جلوگیری کنند. این درگیری، چند ساعت به طول انجامید. تظاهر کنندگان که توسط گروهی از کشاورزان کره جنوبی رهبری می شدند، فریاد می زدند: مرگ بر سازمان تجارت جهانی، مرگ بر آمریکا. در طول این هفته، تظاهر کنندگان بارها اعلام کرده بودند که هدف شان، برهم زدن مذاکرات پیرامون آزادی تجارت جهانی است؛ زیرا قوانین و برنامه های سازمان یاد شده، منصفانه نیست و به زیان کشاورزان است.



### میلیون ها کودک در جهان ناپدید شده اند

صدها میلیون کودک در سراسر جهان بر اثر قاچاق یا کارگری در کشورهای مختلف ناپدید می شوند. صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)



روز گذشته با اعلام این موضوع در آخرین روزهای سال ۲۰۰۵ گفت: کودکان ناپدید شده، عموماً از معابر عمومی، خیابان ها، خانواده های فقیر، قاچاق، خشونت های داخلی و... به مکانی

### قطعنامه علیه نقض حقوق بشر در ایران

مجمع عمومی سازمان  
قطعنامه‌های وضعیت  
حقوق بشر در پنج کشور  
ایران، کنگو، کره  
شمالی، ترکمنستان و



ازبکستان را تصویب کرد. قطعنامه نقض حقوق بشر در ایران با ۷۵ رای موافق، ۵۰ رای مخالف، و ۴۳ رای ممتنع تصویب شد. حکومت ایران به خاطر ادامه اذیت و آزار مدافعان حقوق بشر، مخالفان سیاسی و مذهبی، روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس، دانشجویان، روحانیون، دانشگاهیان و وبلاگ‌نویسان، ادامه استفاده از شکنجه و برخوردها و مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز، ادامه خشونت و تبعیض علیه زنان و دختران در قوانین و عمل، و اعدام افراد زیر ۱۸ سال از سوی سازمان ملل متحد محکوم شده است.

طبق خبر منتشر شده در خبرنامه سازمان ملل متحد، مجمع عمومی سازمان در روز جمعه بیست و پنج آذر جلسه داشت و طی آن قطعنامه‌های وضعیت حقوق بشر در پنج کشور ایران، کنگو، کره شمالی، ترکمنستان و ازبکستان را تصویب کرد. قطعنامه نقض حقوق بشر در ایران با ۷۵ رای موافق، ۵۰ رای مخالف، و ۴۳ رای ممتنع تصویب شد و بدینوسیله برگی دیگر بر پرونده پر حجم نقض حقوق بشر ایران در سازمان ملل متحد افزوده شد.

یادآوری می‌شود که متن این قطعنامه حدود بیست روز پیش توسط کانادا در کمیته امور اجتماعی و حقوق بشر مجمع عمومی مطرح و پس از تصویب اولیه جهت تصویب نهائی به مجمع ارجاع گردیده بود. در این قطعنامه در خصوص نقض حقوق بشر در موارد ذیل در ایران ابراز نگرانی شده است:

- ادامه اذیت و آزار مدافعان حقوق بشر، سازمانهای غیر دولتی، مخالفین سیاسی و مذهبی، اصلاح طلبان سیاسی، روزنامه نگاران، نمایندگان مجلس، دانشجویان، روحانیون، دانشگاهیان و وبلاگ نویسان.

- نقض دائم موافقتنامه‌های بین المللی در مورد دستگاه قضائی بخصوص فقدان روند دادرسی قانونی، عدم وجود دادگاه منصفانه و علنی، رد حق دسترسی به وکیل و اذیت و آزار وکلای مدافع، نقض حقوق زندانیان از جمله نگهداری طولانی در زندان انفرادی،

بقیه در صفحه ۸

هویت هستند از جمله کودکانی هستند که دسترسی به آنها بسیار سخت است.

### احتمال فاجعه‌ی هسته‌یی در خاورمیانه

موردخای وانونو افشا کننده‌ی اسرار هسته‌یی رژیم اشغالگر، در گفت‌وگو با روزنامه‌ی روسی ایزوستیا تاکید کرد: اسرائیل عملاً بمب هسته‌یی می‌سازد و در نظر دارد از سلاح هسته‌یی در جنگ احتمالی علیه کشورهای



اسلامی استفاده کند. وی افزود: زمانی که در پایگاه‌های هسته‌یی دیمونای اسرائیل فعالیت می‌کردم، در این پایگاه مقادیر زیادی پلوتونیوم، لیتیوم، تریتیوم و دیگر مواد مورد نیاز در ساخت بمب‌های هسته‌یی تولید می‌شد که این مواد برای ساخت ۱۰ بمب در هر سال کافی است و با این حساب از سال ۱۹۸۵ تاکنون اسرائیل بیش از ۲۰۰ بمب هسته‌یی ساخته است. وی هم چنین خاطر نشان کرد: کشورهای غربی از جمله آمریکا که دایماً ایران را تهدیدی برای نابودی اسرائیل می‌دانند و این کشور را سرزنش می‌کنند، باید در درجه‌ی اول خود را سرزنش کنند؛ زیرا این کشورها اسرائیل را به تکنولوژی هسته‌یی مجهز کردند و برای ساخت پایگاه هسته‌یی دیمونا به اسرائیل کمک کردند. وی در پاسخ به سوال این روزنامه مبنی بر اینکه "آیا اسرائیل و ایران در آستانه‌ی رویارویی هسته‌یی قرار دارند؟" اظهار داشت: بدون شک مسأله‌ی فلسطین مهمترین عامل این رویارویی است، زیرا فلسطینیان سالهاست که تحت اشغال هستند و از هیچ تلاشی برای آزادی سرزمینشان دریغ نخواهند کرد.

وی سوال دیگر این روزنامه را مبنی بر اینکه "آیا فلسطینیان اعمال تروریستی انجام می‌دهند؟" با سوالی دیگر پاسخ داد و افزود: آیا کشتن فلسطینیان، ویران کردن منازلشان و آواره کردن آنها تروریسم نیست؟

وانونو در سال ۱۹۸۶ با افشای اسرار هسته‌یی رژیم صهیونیستی، به اتهام خیانت بزرگ به زندان محکوم شد و بعد از آزادی در سال ۲۰۰۴ هم چنان به اظهارات خود علیه مقامات این رژیم ادامه می‌دهد.

جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

5122,CDN – C.P. 49552, Montreal, QC H3T 2A5

به رانندگان اتوبوس و مترو گفته شده است که قبل از بازگشت به ایستگاه های اصلی، مسیر خود را به طور کامل طی کنند. با توجه به قانون ایالت نیویورک مبنی بر ممنوعیت اعتصاب برای کارکنان بخش عمومی، کارکنان اعتصابی احتمالاً با جریمه های سنگینی روبرو خواهند شد.

### ما خواهان آزادی بی قید و

#### شرط سلطانی هستیم

عبدالفتاح سلطانی حقوقدان و وکیل دادگستری بیش از چهارماه است که بدون



رعایت اصول اولیه حقوق بشر و موازین قانونی در زندان به سر می برد. در حالی که سلطانی خود یک حقوقدان است و در دفاع از افرادی که وکالت آنها را پذیرفته، موازین و معیارهای قانونی و حقوق انسانی آنها را رعایت کرده است. بنابراین ادامه بازداشت سلطانی به منظور تحت فشار قرار دادن وی است که در پرونده وکالتی خود دفاع شجاعانه و درخشانی از متهمان سیاسی و مطبوعاتی داشته است. واقعیت این است که پذیرفتن وکالت این گونه پرونده ها در حکومت های اقتدارگرا هزینه هایی را در پی دارد، و اینک سلطانی هزینه وکالت این نوع پرونده ها را می پردازد. امضاءکنندگان این نامه یعنی موکلان سلطانی بر این اعتقاد هستند که او وکیل است که بر سوگند خود مبنی بر دفاع از حقوق انسانی همه متهمان خود اعم از سیاسی و غیرسیاسی، وفادار مانده است. بر این اساس موکلان سلطانی بازداشت او را بر پایه موازین حقوقی ارزیابی نمی کنند، بلکه این اقدام را دارای انگیزه های پررنگ سیاسی و انتقام جویی از وی می دانند. بنابراین وظیفه خود می دانند در شرایطی که وکیل بی پناهشان در بند به سر می برد، ضمن اعتراض به ادامه نقض حقوق بشر و موازین قانونی در برخورد با وی خواهان آزادی بی قید و شرط این وکیل شجاع بوده و تا رها شدن آقای سلطانی به تلاش های خود ادامه دهند.

امیرحسین اعتمادی - علی افشاری - ناصر براتی - امین بزرگیان - امیر حسین بلالی - حبیب الله پیمان - مهدی حبیبی - علیرضا رجایی - تقی رحمانی - امیر رعیت نظری - جواد روح - محمد سیف زاده - حجت الله شریفی - کاظم شکری - روح الله شهیدی پور - مهدی شیرزاد - هدی صابر - امیر طیرانی - رضا علیجانی - محمدحسن علیپور - محمود عمرانی - علی فرخی - مهدی فخرزاده - سعید قاسمی نژاد - مرتضی کاظمیان - روزبه محقق زاده - علیرضا محمودیان - فرید مدرسی - سعید مدنی - تهمینه مرادی - عبدالله مؤمنی - محمد نعیمی پور - محمد رضا نم نبات - آرش هاشمی - فهیم یزدان پناه.

۸۴/۹/۲۹

### اعتصاب کارکنان شبکه حمل و نقل شهر نیویورک

میلیون ها نفر از شهروندان نیویورک بعد از آنکه کارکنان بخش خدمات حمل و نقل این شهر اعتصاب کردند، از مترو و اتوبوس محروم شدند.



۳۴ هزار عضو اتحادیه کارکنان

حمل و نقل روز سه شنبه ۲۰ دسامبر بعد از آنکه گفتگوها بر سر قراردادهایشان با کارفرمایان به شکست انجامید، توافق کردند که دست به اعتصاب بزنند.

به گفته راجر توسنت، رئیس این اتحادیه، "کارکنان حمل و نقل از قدر ناشناسی و بی احترامی خسته شده اند".

مایکل بلومبرگ شهردار نیویورک در حال سنجش میزان تاثیرات اعتصاب است اما می گوید این اعتصاب که اولین اعتصاب شهر بعد از ۲۵ سال است، می تواند روزانه ۴۰۰ میلیون دلار هزینه بردارد. او از حدود هفت میلیون مسافر شهری خواسته است که برای رفتن به سر کار و بازگشت به خانه، بصورت اشتراکی از وسایل نقلیه شخصی استفاده کنند، دوچرخه سوار شوند یا پیاده روی کنند.

بلومبرگ گفت: "ما نمی توانیم اجازه دهیم ناملایمات، به گستردگی که وجود دارند، اقتصاد ما را متوقف سازند، مدارس را به تعطیلی بکشانند یا امنیت عمومی را به خطر اندازند."

#### "اعتصاب غیرقانونی"

گفتگوها بر سر قراردادهای اتحادیه کارکنان حمل و نقل و مسئولان شبکه حمل و نقل شهری که توسط دولت اداره می شود کوتاه زمانی قبل از ضرب الاجل تعیین شده در نیمه شب، ناموفق ماندند.

دو طرف بر سر افزایش دستمزدها، خدمات درمانی، میزان پس انداز بازنشستگی و سن بازنشستگی کارکنان اختلاف نظر دارند.

مسئولان حمل و نقل شهری می گویند که پیشنهاد منصفانه ای را ارائه کرده بودند. پیتر کالیکو رئیس حمل و نقل شهری نیویورک اعتصاب اتحادیه حمل و نقل را "دهن کجی" به همه نیویورکی ها خوانده است.

اتحادیه چنین استدلال می کند که با توجه به مازاد یک میلیارد دلاری شبکه حمل و نقل، حذف برخی مزایا لزومی نداشته است.

## شکنجه.....

## ایگناسیو رامونت



« ما شکنجه نمی کنیم»، چنین گفت جرج و. بوش. و این سخن، روز ۷ نوامبر گذشته، در پاناما، در پایان بازدید پنج روزه وی از آمریکای لاتین ایراد شد، در منطقه ای که سالیان دراز زیر یوغ رژیم های خودکامه ای که از سوی واشنگتن حمایت می شدند، بسر برده و در آن «مفقودالثر شدن» مظنونین و اعمال شکنجه امری رایج بوده است. این کلام، پاسخ رئیس جمهور ایالات متحده به اتهامات مندرج در روزنامه واشنگتن پست (۱) است که دوایر اطلاعاتی آمریکا را به انتقال مخفیانه افراد و شکنجه آنان در خارج از مرزهای ایالت متحده، در زندانهای زیر زمینی معروف به «مراکز سیاه»، متهم می سازد.

آیا می توان سخنان جرج بوش را باور نمود؟ پاسخ به این پرسش منفی است. آیا وی برای توجیه حمله به عراق مدعی نبود که رژیم صدام حسین با شبکه القاعده مرتبط است؟ و یا اینکه بغداد «سلاح های کشتار جمعی» در اختیار دارد؟ دو بهتان بزرگی که واشنگتن به بهانه آنان «جنگی باز دارنده» پیا کرد که به مرگ ده ها هزارتن (منجمله بیش از ۲۰۰۰ نظامی آمریکایی) انجامید.

جرج بوش ادا فرد قابل اطمینانی نیست. و این امر در رابطه با مسأله شکنجه بیش از پیش صادق است. گزارشات نهاد های معتبری چون صلیب سرخ بین المللی، سازمان عفو بین الملل و یا سازمان دیده بان حقوق بشر (۲)، حاکی از آنند که از زمان سوء قصد های ۱۱ سپتامبر تا کنون، مقامات آمریکایی در مبارزه با «تروریسم بین المللی» (۳) دیگر نه احترامی برای توافق نامه های ژنو در رابطه با رفتار با زندانیان قائلند و نه برای قطع نامه های سازمان ملل علیه اعمال شکنجه.

دولت بوش، در واقع از همان فردای ۱۱ سپتامبر، با احیای دادگاه های ویژه، و تأسیس زندان گوانتانامو، در خارج از خاک ایالات متحده - و لذا خارج از حوزه قضایی آمریکا - به منظور محبوس کردن «اسیران میدان جنگ» (تعریفی متفاوت با «اسرای

جنگی»، برای اجتناب از ارجاع به توافق نامه های ژنو، قواعد تازه ای در این زمینه وضع نمود.

نظریه نو محافظه کارانه، آلبرتو گونزالس، حقوق دان، مشاور سابق رئیس جمهور و وزیر دادگستری کنونی آمریکا را می توان بدین شکل خلاصه نمود: آمریکا نباید با احترام گذاشتن به حقوق بشر اسباب «تضعیف» خویش را فراهم آورد. دو گزارش وی در فوریه و اوت ۲۰۰۲، متون حقوقی مربوط به شکنجه را ماهیتا تغییر داده اند. در حال حاضر، در ایالات متحده، این عبارت به اعمالی اطلاق می شود که «به شکلی جبران ناپذیر بر سلامت جسمی زندانیان اثر بگذارند». هر شکنجه ای قبل از رسیدن به این حد، عملی قانونی محسوب می شود.

لذا آیا باز هم جای تعجب است که از دسامبر ۲۰۰۲، ارتش آمریکا در زندان باگرام، در افغانستان، بطور منظم به شکنجه متوسل می شود؟ مظنونین «در سلول هایشان به زنجیر کشیده شده و به کرات مورد ضرب و جرح قرار می گیرند»، «سرشان به در دیوار کوبیده می شود»، «از ناحیه کشاله ران و ساق پا زیر مشت و لگد قرار می گیرند»، و «آنقدر آب به حلقشان ریخته میشود تا خفه شوند». تعداد زیادی از زندانیان در اثر اعمال این شیوه ها جان سپرده اند. (۴)

گزارشی که اخیراً در نیویورک تایمز به چاپ رسیده است (۵) بر جنبه «عادی و روزمره» شکنجه های تحمیلی توسط نظامیان آمریکایی صحنه می گذارد. آنان غالباً زندانیان را حتی پیش از باز پرسى مورد شکنجه قرار می دهند... این تحقیق نشان می دهد که افراد گردان ۵۱۹ اطلاعات نظامی آمریکا، در باگرام شگرد هایی را در شکنجه گری بکار بسته اند، که در گوانتانامو آموخته بودند... و اینکه همین گردان ۵۱۹ است که مأمور انجام باز پرسى های خشن در زندان ابو غریب عراق بوده است.

تحقیقات دیگری نیز حاکی از آنند که سازمان سیا افراد مظنون را از سراسر جهان - آمریکا، ایتالیا، سوئد و غیره - ربوده و به کشورهای دوست «چون عربستان سعودی، اردن و مصر تحویل می دهد تا بی چون و چرا شکنجه شوند. طبق گزارش هایی که اخیراً منتشر شده اند، سازمان سیا شبکه ای تمام عیار از زندان های مخفی در سراسر جهان - که سازمان عفو بین الملل آنرا «گولاک های عصر ما» خوانده است - در اختیار دارد، که برخی



در قطعنامه از دولت ایران خواسته شده است که به آزادی بیان و عقیده و تجمع، حق دادرسی قانونی، دسترسی به وکیل، و داشتن دادگاه بیطرف منصفانه و علنی احترام کامل بگذارد. از اذیت و آزار و کلاهی مدافع دست برداشته از کلیه افراد از جمله گروههای اقلیت دینی و نژادی محافظت نماید. از اعمال شکنجه و برخوردهای غیر انسانی و تحقیرآمیز دست برداشته به مصونیت ناقضین حقوق بشر از مجازات در قانون و عمل خاتمه دهد. از اعدام در ملاء عام و اعدام کودکان زیر ۱۸ سال خودداری کند. تبعیض علیه زنان و دختران را کنار بگذارد. به تبعیض علیه گروههای قومی و زبانی و نقض حقوق اقلیتها شامل اعراب، اکراد، بلوچها، مسیحیان، یهودیها، و مسلمانان سنی پایان دهد.

پیش بینی می شود که با شروع بکار شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در آینده نزدیک (اوایل سال ۱۳۸۵)، دولتهای ناقض حقوق بشر نظیر ایران تحت ساز و کارهای نظارتی دقیق تر و فشارهای شدید تری از سوی جامعه بین المللی قرار گیرند. از جمله این فشارها می تواند ارجاع موارد نقض در صورت استمرار، به شورای امنیت سازمان ملل، اعمال تدریجی تحریم اقتصادی و پیگرد بین المللی مقامات داخلی متخلف و ناقض حقوق بشر باشد. این هشداری به مقامات ایرانی است که پیامدهای صدور بیست ساله قطعنامههای نقض حقوق بشر در کشور را جدی گرفته به حقوق و آزادیهای اساسی مردم احترام بگذارند.

#### بقیه از صفحه ۲۶

ندارد که چشمهایمان را ببندیم و بگوییم که نمی خواهیم نگاه کنیم. هر چه بیشتر در باره شکنجه و شکنجه گران بدانیم، آن هم نه آنچه در تاریخ اتفاق افتاده، بلکه آنچه در جهان امروز، در میان ما رخ می دهد، شکنجه گران بیشتر ترس خواهند داشت که در جامعه رسوا بشوند. اگر به نمونه های عراق و گوانتانامو و محاکمه شکنجه گران امریکایی نگاه کنید، می بینید که امریکاییها نمی خواهند که مردم از آنچه در این زندانها گذشته آگاهی پیدا کنند. اگر به ایران نگاه کنید هم می بینید که هیچگاه کسی آشکارا و به طور رسمی نمی گوید که در خفا و در زندانهای آن چه می گذرد. اما اینها تنها چند نمونه هستند. کشورهای دیگر هم بهتر از این نیستند و شاید تنها می توانند این موضوع را بهتر مخفی کنند.

از آنان شاید حتی در کشور های عضو اتحادیه اروپا (لهستان؟) و اروپای شرقی (رومانی؟) واقع باشند. این مسائل، علاوه بر جنبه نفرت انگیزشان در عرصه های قضایی و اخلاقی، فاجعه ای برای حیثیت معنوی آمریکا در جهان به حساب می آیند. ایالات متحده نیز، مانند سایر دموکراسی های جهان، در مقابله با خطر تروریسم، شاهد آنست که مسأله شکنجه به یک مشکل سیاسی مرکزی بدل می شود. سناتور جمهوریخواه، جان مک لین، طی مناظره ای با ریچارد چنی، معاون رئیس جمهور، و سردمدار خط تند رو، خاطر نشان ساخت که مجازات هایی هستند که یک دولت دموکراتیک هرگز نباید بر یک موجود انسانی اعمال نماید و عظمت دموکراسی در آنست که از توسل به برخی از موازین زورمندانه اجتناب ورزد. و در صدر آنان، شکنجه قرار دارد.

#### پاورقی ها:

- ۱) واشنگتن پست، ۲ نوامبر ۲۰۰۵.
- ۲) رک به « جنایت و اخاذی در افغانستان، بنام حقوق»، بخش هایی از گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر، لوموند دیپلماتیک، آوریل ۲۰۰۴. و نیز استفان گری، « ایجاد شکنجه گاه در کشورهای بیگانه»، لوموند دیپلماتیک، آوریل ۲۰۰۵.
- ۳) در واقع منظور « تروریسم اسلامی» است، چرا که تروریست های بین المللی صاحب نامی که در جهت منافع واشنگتن عمل کرده اند، مانند لویس پوسادا کاربلس، همچنان تحت حمایت مقامات آمریکایی که مخالف استرداد وی هستند، بسر می برند. رک به مقاله لئونارد ونگلاس در همین شماره.
- ۴) لوموند، ۱۶ مارس ۲۰۰۵.
- ۵) انترناشنال هرالد تریبون، ۲۱ مه ۲۰۰۵.

#### بقیه از صفحه ۶

- عدم فراهم آوردن مراقبتهای پزشکی و تماس با خانواده.
- ادامه استفاده از شکنجه و برخوردها و مجازاتهای غیر انسانی و تحقیر آمیز.
  - ادامه اعدامها در ملاء عام و در سطح وسیع، انجام دیگر اعدامها بدون توجه به قوانین پذیرفته شده بین المللی، و اعدام افراد و کودکان زیر ۱۸ سال.
  - ادامه خشونت و تبعیض علیه زنان و دختران در قوانین و عمل، رد انجام اصلاحات در قوانین تبعیض آمیز توسط شورای نگهبان از جمله رد مصوبه مجلس در سال ۱۳۸۲ در الحاق به کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان.
  - ادامه تبعیض علیه اقلیتهای قومی و مذهبی و نقض حقوق آنان.

و منابع مختلفی که بررسی کرده بودند و از این پرونده اطلاع داشتند، به ما گفتند که آقای پورمحمدی در این قتل‌ها مظنون بوده است و حتی نزدیک بود که حکم بازداشت ایشان صادر بشود، ولی در عوض ایشان فقط از وزارت اطلاعات برکنار شدند یا پست‌شان را ترک کردند. نکته‌ی سوم به این برمی‌گردد، که ایشان همچنین بخش امنیت خارجی وزارت اطلاعات را برای سالهای متمادی در دست داشتند و در طول این سالها بسیاری از ایرانیان در خارج از کشور ترور شده‌اند و در بعضی از این ترورها نقش دولت ایران کاملاً نشان داده شده و مواردی اظهارات موثق نیز، وجود دارد و ایشان بعنوان رییس بخش خارجی وزارت اطلاعات به اتهام این قتل‌ها مظنون هستند. در مورد آقای محسنی اژه‌ای، ایشان بعنوان دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت که کلاً یک دادگاه تفتیش عقاید است، نقش در دادگاهی و زندانی کردن کسانی مثل عبدالله نوری و محسن کدیور داشته و در یک مورد دیگری هم متهم شده که دستور قتل یک دگراندیش، پرویز دوانی، را صادر کرده است و چندین منبع موثق دیگر به ما گفتند که این اظهارات قابل قبول و موثق هست، و در نتیجه ما خواهان تحقیقات در مورد نقش ایشان شدیم.

کیواندخت قهاری: همانطور که اشاره کردید، آقای قائمی، طبیعتاً دیده‌بان حقوق بشر بدون داشتن مدارک مستند این اتهامات را بیان نکرده است. گفتید منابع موثق، دیگر چه مدارکی و اینها چه هستند که شما استفاده می‌کنید؟



هادی قائمی: در مورد اعدام‌های سال ۶۷، خاطرات آیت‌اله منتظری بعنوان کسی که کاملاً از آنچه در آنزمان اتفاق افتاده باخبر است، به‌رحال آقای منتظری قائم‌مقام رهبری بودند، و وقتی در مورد جزئیات این اعدام‌ها صحبت می‌کند یک منبع موثق بشمار می‌روند و مستقیماً در نوشته‌های ایشان اسم آقای پورمحمدی آمده است و حتی یادداشتی را که خطاب به آقای پورمحمدی و دیگر اعضای کمیته یا هیات زندان اوین نوشته‌اند، بصورت دست‌نویس از آن سال چاپ می‌کند. همچنین ما از وقتی که این گزارش تمام شد، با کسانی تماس گرفتیم که در آنزمان

## درخواست دیده‌بان حقوق بشر برای برکناری دو وزیر از کابینه ایران



کیواندخت قهاری: آقای هادی قائمی (پژوهشگر سازمان دیده‌بان حقوق بشر) سازمان دیده‌بان حقوق بشر در اعلامیه‌ی خودش اتهامات سنگینی به وزیر کشور و وزیر اطلاعات ایران، یعنی مصطفی پورمحمدی و غلامحسین محسنی اژه‌ای، زده است. می‌توانید به اختصار این اتهامات را برشمرد؟

هادی قائمی: در مورد آقای پورمحمدی مهمترین اتهام نقش عمده‌ی ایشان در قتل‌عام وسیع زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است و البته باید گفته بشود که این قتل‌عام در مورد زندانیانی انجام گرفت که در زندان دادگاهی شده و محکوم به حبس بودند. بعضی از اینها به یک یا دو سال و یا چندین سال محکوم شده و اینها مشغول گذراندن مدت حبس‌شان در زندان بودند که در سال ۶۷ اعدام‌های سریعی انجام گرفت و هزاران نفر کشته شدند و دولت ایران هیچوقت آن را تایید نکرده و اطلاعاتی را در اینمورد نگفته است که چند نفر اعدام شدند یا حتی در کجا بخاک سپرده شدند. با استناد به گفته‌های آیت‌اله منتظری که در آنموقع اطلاعات وسیعی در مورد این اعدام‌ها داشتند، آقای پورمحمدی عضو هیاتی در زندان اوین بود که این اعدام‌ها را تصمیم می‌گرفته و انجام می‌داده است. همچنین هم‌اکنون زندانیانی هستند که در آنموقع در زندان بودند و برطبق شواهد آنها هم، آقای پورمحمدی عضو آن هیات بوده است. نکته‌ی دوم برمی‌گردد به «قتل‌های زنجیره‌ای». در «قتل‌های زنجیره‌ای» می‌دانید، در مورد کسانی که کارمند وزارت اطلاعات بودند و این قتل‌ها را انجام دادند تحقیقاتی انجام گرفت. گرچه این تحقیقات هیچوقت بصورت کامل انجام نشد و همیشه انتقاداتی بوده است که آمران این قتل‌ها شناخته نشده‌اند. و وقتی آقای پورمحمدی برای مقام وزارت کشور انتخاب شدند گفته شد که ایشان در این قتل‌ها هم نقش داشته است. ما با تحقیقاتی کردیم

بشود و اعتبار دولت ایران را در میان ایرانیان و در میان افکار بین‌المللی بشدت زیر سوال ببرد.

#### بقیه از صفحه ۱۳

دولتهای مختلف، نبایست از خشونت استفاده شود، تا منزلت انسان در امان باشد. از همین رو، صلح کمال ضروری خود را در ارزشهایی مانند خشونت‌پرهیزی و تکامل‌تدریجی می‌یابد. تکامل‌تدریجی از طریق اصلاحات، ارزشی است که در نقطه‌ی مقابل روشهای انقلابی قرار دارد که خواهان ویران‌سازی و از نو ساختن می‌باشند. به این ترتیب می‌توان گفت که صلح، تکامل‌تدریجی از طریق اصلاحات و خشونت‌پرهیزی، ارزشهایی هستند که اصولاً "یک زندگی با منزلت انسانی را میسر می‌سازند.

#### ۷. محیط زیست سالم

ارزش رابطه‌ی سالم میان انسان و طبیعت، ریشه در این شناخت دارد که بشریت به دلیل ویران‌سازی زیست‌جهان و زیست‌محیط طبیعی خود از طریق: نظام اقتصادی جهانی، نارسایی مدل‌های رشد، عدم توازن در استفاده‌ی معقول از منابع طبیعی، آلودگی صنعتی و هسته‌ای، مصرف سیری‌ناپذیر و همچنین کویر فقر، تهدیدی جدی برای طبیعت و محیط زیست بوجود آورده است. «محیط زیست سالم» به مثابه یک ارزش، مبتنی بر این واقعیت است که انسانها فقط در هماهنگی با طبیعت و زیست‌محیطی سالم قادر به یک زندگی انسانی و با منزلت هستند. انسانها درست به دلیل اینکه برای برآوردن نیازهای اساسی خود و از جمله خوراک و آب وابسته به طبیعتند، نمی‌توانند و نمی‌بایست کارکرد سالم طبیعت را دچار اختلال سازند، چرا که در غیر اینصورت، بنیاد زندگی خود را ویران کرده‌اند. امروزه حفاظت از محیط زیست، ارزشی حقوق بشری و یک وظیفه‌ی جدی انسانی است.

مهمترین اتهام نقش عمده‌ی ایشان (وزرای کابینه دولت پاسدار احمدی نژاد) در قتل‌عام وسیع زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است. بعضی از اینها به یک یا دو سال و یا چندین سال محکوم شده و اینها مشغول گذراندن مدت حبس‌شان در زندان بودند که در سال ۶۷ اعدامهای سریعی انجام گرفت و هزاران نفر کشته شدند و دولت ایران هیچوقت آن را تایید نکرده و اطلاعاتی را در اینمورد نگفته است که چند نفر اعدام شدند یا حتا در کجا بخاک سپرده شدند.

در زندان بودند و مستقیماً این هیات در زندان اوین با اینها مصاحبه کرده که آقای پورمحمدی عضو آن کمیته بوده است. در نتیجه الان شاهدانی عینی به جلو آمده‌اند که آقای پورمحمدی را شناسایی می‌کنند. در مورد قتل‌های زنجیره‌ای هم، منابع ما کسانی هستند که مستقیماً از محتویات پرونده‌ی تحقیقات «قتل‌های زنجیره‌ای» اطلاع دارند و بخاطر حفظ نامی‌ای که می‌کنند در ایران، نمی‌خواهند اسمشان گفته بشود. اما ما موفق شدیم که این افراد موثق هستند و اطلاعاتشان درست است.

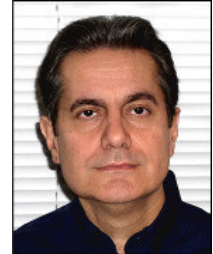
کیواندخت قهاری: آقای قائمی این سوال می‌تواند مطرح بشود که چرا اینقدر سازمان دیده‌بان حقوق بشر صبر کرده است تا درباره‌ی این جنایتها و نقش این دو وزیر موضع‌گیری بکند؟

هادی قائمی: البته باید گفت که این دولت دولت جدیدی‌ست. آخرین وزیر کابینه تنها هفته‌ی پیش انتخاب شد و مجلس به او رای داد و آقای پورمحمدی قبل از این نقش رسمی‌ای در دولت نداشته است و وقتی در شهریورماه ایشان به مجلس معرفی شد، در خود مجلس ایران اظهارات مهم و شدیدی در مورد سابقه‌ی ایشان مطرح گردید. و این باعث شد که ما تحقیقاتی را شروع کنیم در مورد صحت و صقم این اظهارات. البته مدتی طول می‌کشد تا این شواهد جمع بشوند و ما مطمئن بشویم که این اظهارات را می‌شود بعنوان منابع موثق ذکر کرد و منجر به انتشار این گزارش شد.

کیواندخت قهاری: از رییس جمهور ایران خواسته شده است که این دو وزیر را از کابینه‌اش کنار بگذارد. پاسخ می‌تواند این باشد که این مسئله‌ی داخلی ایران است. در اینصورت سازمان دیده‌بان حقوق بشر چه پاسخ احتمالی می‌دهد؟

هادی قائمی: ببینید، الان یک بحران عدالت و عدم پاسخگویی گریبانگیر دولت ایران در بالاترین سطوح شده است و این تنها نمونه نیست، نمونه‌های زیادی در حال حاضر وجود دارد، مانند قتل زهرا کاظمی، که هیچکس مسئول آن نبوده و کسانی که این قتل را انجام داده‌اند شناخته نشده‌اند و در عوض وکیل آن پرونده را، یعنی آقای عبدالفتاح سلطانی، در بازداشت غیرقانونی بسر می‌برند. همچنین آقای ناصر زرافشان، وکیل خانواده‌های قربانیان «قتل‌های زنجیره‌ای»، و اکبر گنجی زندانی هستند و در عوض آقایان پورمحمدی و اژه‌ای به صدارت وزارتخانه‌های مهمی منصوب می‌شوند. این موجب می‌شود که دامنه‌ی این بحران هر روز وسیع‌تر

بهرام محبی

**فلسفه ی حقوق بشر (گفتار یازدهم)****ارزش‌های حقوق بشری**

پس از بررسی فشرده ی تاریخ هستی پذیری و تکامل مفهوم حقوق بشر، اینک در ادامه ی گفتارها، به مباحث امروزی حقوق بشری باز می گردیم. کانونی ترین ارزش فلسفی حقوق بشر، همانا «منزلت انسان» است که بدواً آن

را در گفتاری جداگانه بررسی کردیم. در این گفتار، روشن خواهیم ساخت که برای تبیین دقیق تر مفهوم منزلت انسان، باید ارزشهای دیگری را که جزو آن به شمار می آید و بطور همزمان به مثابه ارزشهای حقوق بشری محسوب می گردد، در نظر گرفت. در همین راستا، به ارزشهایی مانند: «زندگی»، «آزادی و استقلال»، «عدالت»، «همبستگی»، «مسئولیت اجتماعی»، «صلح و خشونت پرهیزی» و نیز «محیط زیست سالم» می پردازیم.

**۱. زندگی**

زندگی به عنوان ارزش، مبتنی بر ارزشگذاری بر حیات انسانی، به مثابه پیش شرط اجتناب ناپذیر برای همزیستی میان انسانها و سرچشمه ی تمامی ایده آل ها و تصورات ارزشی پیوسته با آن است. کنشی که معطوف به تحقق ارزش زندگی است، نه تنها باید در مقابل هر چیز و هر کس که به نفی زندگی می پردازد، مقاومت ورزد، بلکه همچنین باید تمامی فعالیتهای حامی زندگی و سازگار با آن را با همت مورد پشتیبانی قرار دهد. یکی از عنصرهای مهم «زندگی» به مثابه ارزشی حقوق بشری، حفاظت از تندرستی جسمی و خدشه ناپذیری فیزیکی انسان است. هر انسانی در هستی خود، برخوردار از منزلتی است که ارزشی فی نفسه محسوب می گردد. چنین ارزشی، با هیچ کالایی قابل مقایسه یا معاوضه نیست و بنابراین قیمتی برای آن قابل تصور نیست و باید آن را چونان غایتی بالذات پاسداری کرد. بنابراین، پاسداری از ارزش فی نفسه ی انسان، پیش از هر چیز، پاسداری از زندگی انسانی است و احترام به منزلت انسان را تنها می توان به مثابه با ارزش شمردن حیات انسانی فهمید. «زندگی» به مثابه یک ارزش،

تبلور خود را در «حق حیات» می یابد که در میثاقهای بین المللی حقوق بشری، بازتابی روشن یافته است.

**۲. آزادی و استقلال**

ارزش آزادی و استقلال از طرفی مبتنی بر آزادی همه ی انسانها از هرگونه بردگی و بندگی، شکنجه و رفتار و مجازات بیرحمانه و غیرانسانی و حرمت شکنانه، بازداشت، زندانی و تبعید کردن خودسرانه و اقدامات مشابه، و از طرف دیگر مبتنی بر آزادی همه ی انسانها در طرحریزی آزاد و مستقل زندگی خویش است. آزادی و استقلال، عنصرهای کانونی مفهوم «شخص» هستند و بر شالوده ی منزلت انسان قرار دارند. باید آنها را به مثابه خودمختاری اولیه ی اراده فهم کرد. آنها شاخص استعداد و توانایی انسان هستند، انسانی که به صورتی خود بنیاد، «نقطه ی شروع» را خود مقرر می کند. آزادی و استقلال به صورتی جدایی ناپذیر با منزلت انسان در پیوند قرار دارند. حق آزادیهای مصرح در میثاقهای حقوق بشری، جمع بست مدون استقلال و آزادی به مثابه یک ارزش است. به همین دلیل در این میثاقها، در کنار حق آزادی عمومی تدوین شده، حقوق دیگری نیز در رابطه با آزادیها، به صورت جداگانه تعریف شده اند، مانند حقوق شهروندی، حق آزادی قلم و بیان، حق آزادی انجمن ها و اجتماعات و غیره.

**۳. عدالت**

ارزش عدالت، که باید آن را از جنبه ی قانونی، قضایی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار داد، شالوده ی جوامعی را می سازد که در آنها منزلت انسان و امنیت و استقلال شخصی او از تعرض مصون است. این جوامع با شاخص هایی چون: برابری انسانها در مقابل قانون و دادگاه، برخورداری از امکان ارضای نیازهای اولیه و تقسیم عادلانه ی نعمات مادی متعین می گردند. اگر ارزشهای یادشده در فوق را نیز به آن بیفزاییم، می توانیم بگوییم که آن نظام اجتماعی عادلانه است که افزون بر محترم شمردن ارزش بنیادین «زندگی»، بتواند ارزشهای «آزادی» و «برابری» را در تناسبی عادلانه با یکدیگر تحقق بخشد. چنین جامعه ای، با ایجاد و حفظ برابری، برای هر فرد فضای آزادی خلق می کند که بتواند در چارچوب آن حرکت کند، بدون اینکه این کار، حرکت آزاد دیگران را دچار خدشه سازد.

که تنها در یک اجتماع انسانی می‌تواند بر آنها چیره گردد. بنابراین انسان محتاج یاری سایر انسان‌هاست، چه در دوران کودکی که وابسته به سرپرستی والدین است، چه در سنین بلوغ که وابسته به تقسیم کار اجتماعی برای تضمین موجودیت مشترک همه‌ی انسان‌هاست و چه در ایام پیری که وابسته به رسیدگی و دستگیری دیگران است. از طرف دیگر، انسان تنها می‌تواند بسیاری از مشخصه‌های برجسته‌ی شخصی خود را که منزلت او ناشی از آنهاست، فقط در تبادل با دیگر انسان‌ها شکوفا سازد. انسان بویژه برای تکامل آگاهی خود، عمیقاً وابسته به جامعه است. بنابراین، انسان‌ها در انسان بودن خود، متقابلاً وابسته به یکدیگرند.

#### ۵. مسئولیت اجتماعی

آگاهی نسبت به مسئولیت اجتماعی، یکی دیگر از ارزشهای حقوق بشری و پیامد مستقیم ارزش «همبستگی» است. مسئولیت اجتماعی، انسانها را فرا می‌خواند که به یاری هموعانی که دچار رنج و مصیبت و محرومیت اند بشتابند. اگر «همبستگی» بیشتر ارزشی در توصیف «آنچه هست» اجتماعی باشد، می‌توان «مسئولیت اجتماعی» را ارزشی در توصیف «آنچه که باید باشد» ارزیابی کرد. مسئولیت اجتماعی، انسان را موظف می‌داند تا به مثابه موجودی اجتماعی نیز رفتار کند. آگاهی نسبت به مسئولیت اجتماعی، یعنی تعیین وظیفه‌ای برای انسان، تا کنش خود را در راستای تحقق ارزشهای حقوق بشری سمتگیری کند.

انتقال ارزش «مسئولیت اجتماعی» به درون مناسبات بین‌المللی، با خود یکسری مسئولیتها و حقوق بین‌المللی همراه می‌آورد، از جمله حقوقی مانند صلح و حفاظت از محیط زیست.

#### ۶. صلح و خشونت پرهیزی

صلح ارزشی است که نه تنها فقدان منازعات سازمان یافته را توصیف می‌کند، بلکه بیانگر وضعیتی است که در آن همزیستی میان انسانها نشان از موفقیت دارد. صلح به معنای آنست که منازعات به عنوان محصول اجتناب‌ناپذیر همزیستی میان انسانها، به عوض کاربرد روشهای خشونت آمیز و ویرانگر، با استفاده از روشهای مسالمت آمیز و سازنده حل شوند. «فقدان قهر شخصی و ساختاری» که در ایضاح مفهوم صلح به کار می‌رود، بیانگر آنست که برای حل منازعات میان افراد یا گروههای اجتماعی یا

«عدالت اجتماعی» یکی از مفاهیم نزدیک به مفهوم عدالت بطور کلی است. «عدالت اجتماعی» با توجه به منزلت برابر انسانها، خواهان شرایط زندگی انسانی برای همگان، ایجاد شانس برابر و برآوردن عادلانه‌ی نیازهای انسانی است. ایجاد شانس برابر، به معنای رفع هرگونه تبعیض میان انسانها به دلیل تعلق آنان به جنس، طبقه، نژاد، اعتقادات مذهبی و ایدئولوژیک خاص است. از حقوقی که می‌توانند «عدالت اجتماعی» را به مثابه ایجاد شانس برابر تضمین کنند، می‌توان از حق اشتغال، حق تحصیل، حق مشارکت در حیات فرهنگی، حق برخورداری از شرایط کار انسانی، حق برخورداری از دستاوردهای پیشرفت علمی و حق محافظت از کودکان و نوجوانان نام برد. «عدالت اجتماعی» در آنچه که فراتر از نیازهای اولیه‌ی انسانی مانند خوراک و پوشاک و مسکن، به برآوردن سایر نیازهای مهم انسانی مربوط می‌شود، دربرگیرنده‌ی حقوقی مانند: حق امنیت اجتماعی، حق برخورداری از یک معیشت مناسب، حق استفاده از خدمات درمانی و بهداشتی و حق دریافت کمک اجتماعی در موارد بیکاری، بیماری و بازنشستگی است.

منشور جهانی حقوق بشر، منزلت کلیه‌ی اعضای خانواده‌ی بشری و حقوق برابر و انتقال‌ناپذیر آنان را پایه‌ی عدالت در جهان می‌داند. از همین رو تلاش می‌شود تا پاسداری از حقوق بشر، در یک سیستم جهانی و از طریق قراردادها و میثاقهای بین‌المللی تضمین گردد. اما واقعیت جهان کنونی ما نشانگر آن است که «عدالت اجتماعی» حتا در جوامع پیشرفته، در رابطه‌ی پرتنش با مشکل اختلاف طبقاتی میان انسانها قرار دارد. به همین دلیل می‌توان گفت که حقوق بشر به مفهوم امروزی آن و در واقعیت جهان کنونی ما، به ناگزیر تنها می‌تواند طرح حداقلی از عدالت را مطرح نماید.

#### ۴. همبستگی

همبستگی به مثابه یک ارزش، شالوده‌ی کنش مشترک انسانی را می‌سازد و دستیابی به یک همزیستی موفق میان همه‌ی انسانها را هدف خود می‌داند. همبستگی، فقط از انسان مطالبه نمی‌کند تا نسبت به رنج و محنت دیگران ابراز همدردی کند، بلکه انتظار دارد که انسان رنج و محنت هموعان را از آن خود بداند و در رفع آنها بکوشد. مفهوم «همبستگی» به مثابه یک ارزش، پایه‌ی استدلال خود را در اجتماعی بودن انسان باز می‌یابد. انسان از منظر توانایی‌های بیولوژیک خود، دچار کمبودها و نارسایی‌هایی است

هولناک انجام شود. "دیده بان حقوق بشر اعلام کرد که کابینه کنونی ایران مملو از مقاماتی است که سوابق امنیتی و اطلاعاتی دارند و این موجب نگرانی های فراوانی شده است که دولت رییس جمهوری محمود احمدی نژاد بخواهد بی درنگ با استفاده از روش های خشونت آمیز به قلع و قمع منتقدین و مخالفین خود بپردازد.

در طی معاونت و قائم مقامی مصطفی پورمحمدی در وزارت اطلاعات از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۹، مامورین این وزارتخانه به طور سیستماتیک و برنامه ریزی شده قتل های غیرقانونی مخالفین، منتقدین و روشنفکران را انجام دادند.

در سال ۱۹۸۸ دولت ایران هزاران زندانی سیاسی که محکوم به حبس شده بودند و در زندان ها نگهداری می شدند را اعدام کرد. دیده بان حقوق بشر اعلام کرد که این اعدام ها که به صورت آگاهانه و عمدی و از روی برنامه ازپیش تعیین شده صورت گرفته، برطبق قوانین بین المللی جنایت بر علیه بشریت محسوب می شود. مصطفی پورمحمدی عضو یک هیات سه نفره بود که دستور این قتل عام وسیع را در زندان بدنام اوین صادر کرد.

از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹، پورمحمدی رییس بخش امنیت خارجی وزارت اطلاعات بود. در این مدت، دهها چهره سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در خارج از کشور ترور شدند. دربرخی از این موارد نقش دولت ایران در این ترور ها محرز و مسلم می باشد و در سایر ترورها اظهارات معتبری در زمینه دخالت دولت ایران وجود دارد. بر اساس ادعاهای جدی، پورمحمدی نقش عمده ای در برنامه ریزی این ترورها داشته است.

در سال ۱۹۹۸، ماموران وزارت اطلاعات ۵ فعال و روشنفکر برجسته را در تهران به قتل رساندند که به قتل های زنجیره ای مشهور است. یک منبع آگاه ایرانی که به تحقیقات انجام شده در این زمینه دسترسی داشته است، به دیده بان حقوق بشر گفت که پورمحمدی در این قتل ها نقش داشته است و حتی حکم دستگیری وی قریب به صادر شدن بوده است. به گفته وی " اما به جای آن ترتیبی داده شد تا او پست خود را در وزارت اطلاعات ترک کند."

غلامحسین محسنی اژه ای وزیر جدید اطلاعات، در نقش دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت رهبری پیگیری و دادگاهی کردن بسیاری از روحانیون اصلاح طلب را به عهده داشته است. او همچنین نقش کلیدی در سرکوب آزادی بیان، که موجب تعطیل

## گزارش دیده بان حقوق بشر

### "آمران قتلها: کابینه امنیتی دولت جدید ایران"



#### نقش دو وزیر کابینه در نقض گسترده حقوق بشر

سازمان دیده بان حقوق بشر با انتشار گزارشی اعلام کرد که وزیر کشور جدید ایران در طی دو دهه گذشته در نقض بسیار جدی حقوق بشر، از جمله احتمال جنایت علیه بشریت در رابطه با قتل عام هزاران زندانی سیاسی، نقش مهمی داشته است. گزارش این سازمان با عنوان "آمران قتلها: کابینه امنیتی دولت جدید ایران" جزئیات اظهارات معتبری در رابطه با عملکرد مصطفی پورمحمدی وزیر کشور و غلامحسین محسنی اژه ای وزیر اطلاعات در نقض بسیار جدی و برنامه ریزی شده حقوق بشر در دو دهه گذشته را ترسیم می کند.

#### نقش وزیر کشور و وزیر اطلاعات در نقض گسترده حقوق بشر

(نیو یورک، ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵) سازمان دیده بان حقوق بشر در گزارشی که امروز منتشر کرد گفت که وزیر کشور جدید ایران در طی دو دهه گذشته در نقض بسیار جدی حقوق بشر، از جمله احتمال جنایت علیه بشریت در رابطه با قتل عام هزاران زندانی سیاسی، نقش مهمی داشته است.

دیده بان حقوق بشر همچنین گفت که وزیر جدید اطلاعات باید در رابطه با نقش احتمالی وی در قتل یک دگراندیش مورد پیگرد قانونی قرار گیرد.

گزارش "آمران قتلها: کابینه امنیتی دولت جدید ایران" جزئیات اظهارات معتبری در رابطه با عملکرد مصطفی پورمحمدی وزیر کشور و غلامحسین محسنی اژه ای وزیر اطلاعات در نقض بسیار جدی و برنامه ریزی شده حقوق بشر در دو دهه گذشته را ترسیم می کند.

به گفته جو استورک، معاون بخش خاورمیانه دیده بان حقوق بشر: "وجود اشخاصی با چنین سوء سابقه ای در سطح وزارت در دولت ایران کاملاً غیرقابل قبول است. آنها باید بلافاصله از پست وزارت کنار گذاشته شوند و تحقیقات قانونی در زمینه این جنایات

محسنی اژه‌ای به سمت وزارت اطلاعات در این میان بسیار نگران کننده می‌باشد. در ایران وزارت اطلاعات مسئولیت و کارکردهای امنیتی - اطلاعاتی بسیاری دارد. این گزارش مختصر به اظهارات معتبر وجدی‌ای می‌پردازد که تاکید می‌کند دو وزیر یاد شده در برخی از جدی ترین اقدامات منظم علیه حقوق بشر که توسط مسئولین جمهوری اسلامی طی دو دهه گذشته انجام شده است، نقش داشته‌اند.

مصطفی پور محمدی در سال ۱۹۸۸ نماینده وزارت اطلاعات در هیات سه نفره‌ای بوده است که در آن دستور اعدام هزاران نفر از زندانیان سیاسی صادر شده است. این کشتار سیستماتیک و برنامه دار، برطبق قوانین بین المللی حقوق بشر، جنایت علیه بشریت است. علاوه بر این، به عنوان معاون و قائم مقام صاحب نفوذ وزارت اطلاعات در سال ۱۹۹۸، او مظنون به دادن دستور قتل چندین نویسنده و روشنفکر دگراندیش توسط مسئولین وزارت اطلاعات است. به علاوه هنگامی که پور محمدی رئیس اطلاعات خارجی وزارت اطلاعات را به عهده داشت مامورین تحت امر او چندین مخالف جمهوری اسلامی را در خارج از کشور به قتل رساندند. مصطفی پورمحمدی همچنین طی سالهای (۱۹۸۶-۱۹۷۹) دادستان دادگاه انقلاب و دادستان دادگاه انقلاب نظامی در بخش‌های غربی کشور (۱۹۸۶) بوده است. [۱]

غلامحسین محسنی اژه‌ای به عنوان یکی از بلند پایه ترین اعضای قوه قضاییه، در طی شش سال گذشته یکی از چهره‌های رهبری کننده سرکوب آزادی بیان بوده است. محسنی اژه‌ای نیز، طی سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۶ و ۱۹۹۴-۱۹۹۱ (نماینده قوه قضاییه در وزارت اطلاعات، مسئول دادرسی امور اقتصادی (۱۹۹۰-۱۹۸۹)، دادستان ویژه دادگاه روحانیت (۱۹۹۵-۱۹۹۶)، دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت (از سال ۱۹۹۶ تا کنون) و رئیس مجتمع قضایی کارکنان دولت (۲۰۰۲-۱۹۹۷) بوده است [۲].

او همچنین به عنوان دادستان دادگاه ویژه روحانیت در پیگرد و بازجویی از چندین روحانی اصلاح طلب نقش داشته است. او هدایتگر دادگاه سیاسی غلامحسین کرباسچی شهردار پیشین تهران بود که نقش مهمی در مبارزات انتخاباتی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری داشت. محسنی اژه‌ای همچنین مظنون به دستور قتل پیروز دوانی ناراضی و فعال سیاسی ایرانی است که براساس اظهارات در سال ۱۹۹۸ توسط ماموران وزارت اطلاعات ربوده

شدن بیش از صد نشریه از سال ۲۰۰۰ تا کنون شده داشته است. چندین روزنامه نگار و فعال ایرانی ادعا کرده اند که محسنی اژه‌ای دستور ربودن و قتل پیروز دوانی که یک دگر اندیش و فعال سیاسی بود را در سال ۱۹۹۸ صادر کرده است.

دیده بان حقوق بشر از رییس جمهوری محمود احمدی نژاد خواست که فوراً پورمحمدی و محسنی اژه‌ای را از پست وزارت برکنار کرده و یک مکانیسم مستقل برای تحقیقات وسیع، معتبر و بی طرفانه در زمینه جنایات منسوب به آنان تشکیل دهد.

دیده بان حقوق بشر گفت که اگر رییس جمهوری احمدی نژاد این دو وزیر را از مقام خود برکنار نکند، مجلس ایران باید رای عدم اعتماد به این دو وزیر را صادر کند و خود به ایجاد کمیسویی مستقل برای تحقیقات در این زمینه اقدام کند.

#### آمران قتلها: کابینه امنیتی دولت جدید ایران

۱. مقدمه
۲. پورمحمدی در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸
۳. پور محمدی و قتل‌های زنجیره‌ای سال ۱۹۹۸
۴. محسنی اژه‌ای: از تفتیش عقاید تا وزیر اطلاعات
۵. نتیجه‌گیری
۶. پیوست

#### مقدمه

ایرانیان در ژوئن ۲۰۰۵ محمود احمدی نژاد که با شعار بهبود وضعیت اقتصادی مردم به صحنه انتخابات آمده بود رابه عنوان رییس جمهوری انتخاب کردند. او در اوائل ماه آگوست پست جدید خود را با پشتیبانی بخشی از جامعه سیاسی که قویا مخالف اصلاحات سیاسی و اجتماعی بودند و پیش از آن توسط خاتمی آغاز شده بود، تحویل گرفت. این گرایش همراه با مواضعی که احمدی نژاد هنگام مبارزات انتخاباتی گرفت موجب نگرانی‌های جدی فعالان جامعه ایرانی و مدافعان حقوق بشر شد که پس از به قدرت رسیدن او افزایش یافته است.

این نگرانی‌ها هنگامی افزایش پیدا کرد که در چهاردهم آگوست ۲۰۰۵ احمدی نژاد کابینه خود را به مجلس ایران معرفی کرد. معرفی کاندیداهایی با سوابق امنیتی و اطلاعاتی، هراس از اینکه دولت جدید سرکوب سختگیرانه تری را در مقابل منتقدان و مخالفان خود اتخاذ کند افزایش داده است. به خصوص انتخاب مصطفی پورمحمدی برای وزارتخانه قدرتمند کشور و غلامحسین

نبود. این اعدام‌های‌های غیرقضایی که به صورت آگاهانه و تعمدی و از روی برنامه از پیش تعیین شده صورت گرفته، بر طبق قوانین بین‌المللی "جنایت علیه بشریت" است.

در ۱۸ جولای ۱۹۸۸، ایران قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را برای آتش بس جنگ هشت ساله بین این کشور و عراق را پذیرفت. در ۲۴ جولای، بزرگترین گروه مخالف مسلح ایرانی، سازمان مجاهدین خلق ایران، که از سال ۱۹۸۶ در عراق فعالیت می‌کرد، برای براندازی دولت اقدام به حمله به ایران کرد. اگرچه این عملیات نظامی به راحتی توسط نیروهای ایرانی دفع شد، اما دستاویزی برای مقامات ایرانی فراهم کرد تا بسیاری از مخالفان سیاسی از جمله مجاهدین را که سالها پیش از آن دستگیر و محکوم شده بودند را به صورت فیزیکی حذف کنند.

به جهت فقدان هرگونه تایید و یا اعتراف به این کشتار زندانیان در سال ۱۹۸۸، مهمترین و معتبرترین منبع در خصوص این حوادث خاطرات آیت الله حسینعلی منتظری به شمار می‌رود که در آن زمان به عنوان قائم مقام رهبری بلندپایه ترین مقام بعد از رهبر مذهبی ایران، آیت الله خمینی به شمار می‌رفت.

بر طبق خاطرات آیت الله منتظری، دولت در هر زندان یک هیات سه نفری را تشکیل داد تا برای اعدام زندانیان تصمیم گیری کنند. [۶] وظیفه این هیات این بود که با زندانیان سیاسی مصاحبه کنند و کسانی را که از رفتار خود پشیمان نیستند را اعدام کنند. این هیات که به "هیات مرگ" شهرت یافت شامل یک داستان، یک قاضی و یک نماینده وزارت اطلاعات بود. مصطفی پورمحمدی نماینده وزارت اطلاعات در هیات مزبور در زندان بدنام اوین بود. براساس نامه اعتراض آمیزی که توسط آیت الله منتظری به آیت الله خمینی در ۴ اگوست سال ۱۹۸۸ نوشته شده است: "نقش اساسی را همه جا مسئول اطلاعات دارد و دیگران عملاً تحت تاثیر می‌باشند." [۷]

سپس آیت الله منتظری اتفاقاتی را که منجر به قتل عام زندانیان شد برمی شمرد: نامه‌ای از امام گرفتند که افرادی از منافقین که از سابق در زندانها هستند طبق تشخیص دادستان و قاضی و نماینده اطلاعات هر منطقه، با رای اکثریت آنان اگر تشخیص دادند که آنها سر موضع هستند اعدام شوند، یعنی این سه نفر اگر دو نفر از آنها نظرشان این بود که فلان فرد سر موضع است ولو اینکه به یک سال یا دو سال یا پنج سال یا بیشتر محکوم شده باید اعدام

و سپس به قتل رسید. همچنان که دولت جدید احمدی‌نژاد موقعیت خود را استحکام می‌بخشد، توجه به سوء پیشینه این دو وزیر کابینه ضروری می‌باشد. از زمان به دست گرفتن قدرت، دولت جدید نیت خود بر ادامه سرکوب گسترده علیه نویسندگان منتقد و فعالان را مورد تاکید دوباره قرار داده است. در اثنای دو ماه گذشته، وزارت اطلاعات حداقل ۱۰ روزنامه نگار و سرریز روزنامه را احضار کرده و به آنها هشدار داده است که از انتقاد از دولت جدید پرهیز کنند. [۳] مامورین قوه قضاییه و وزارت اطلاعات عبدالفتاح سلطانی، یکی از موسسین کانون مستقل مدافعان حقوق بشر را در ۳۰ جولای دستگیر و بدون هیچ اتهامی او را غالباً در سلول انفرادی نگهداری کرده‌اند.

در مصاحبه‌هایی که با سازمان دیده بان حقوق بشر انجام شده است، بسیاری از فعالان و روزنامه نگاران نگرانی جدی خود را بیان کرده‌اند و گفته‌اند زندگی شان با توجه به سوابق مستند قتل‌های سیاسی که بر اساس اظهارات تحت هدایت پور محمدی و محسنی اژهای رخ داده، در معرض خطر است. [۴]

از زمان در اختیار گرفتن وزارت کشور در ماه اگوست، پور محمدی تعداد بسیار زیادی از ماموران امنیتی - اطلاعاتی را به سمت‌های حساس گماشته است. همچنین وی بسیاری از استانداران استان‌های کشور را نیز از میان فرماندهان سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کار گمارده است. سپاه پاسداران به عنوان قدرتمندترین نیروهای نظامی در ایران در بسیاری از فعالیت‌های سیستماتیک نقض حقوق بشر از جمله در اختیار داشتن زندان‌های مخفی و بازداشتگاه‌های غیرقانونی مشارکت داشته است. قائم مقام پورمحمدی در وزارت کشور، محمد باقر ذوالقدر است که که تا پیش از به دست گرفتن سمت جدید در ۲۵ نوامبر قائم مقام سپاه پاسداران بوده است. [۵]

#### پورمحمدی در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸

در سال ۱۹۸۸، دولت ایرانی به صورت غیر قضایی هزاران زندانی سیاسی را که در زندان‌های ایرانی نگهداری می‌شدند به قتل رساند. دولت هیچگاه انجام این قتل‌ها را به عهده نگرفته و یا اطلاعاتی را مبنی بر اینکه این زندانیان چگونه کشته شده‌اند فراهم نکرده است. اکثریت قریب به اتفاق افراد اعدام شده کسانی بودن که بعد از دادگاه‌های غیر عادلانه به خاطر فعالیت‌های سیاسی شان حکم قطعی از دادگاه گرفته بودند. اگر چه حکمی که گرفته بودند اعدام



ایم کلک اینها را هم بکنیم بعد هر چه شما بفرمایید...! [۱۱]

آیت الله منتظری در یادداشتی خطاب به پورمحمدی و دیگر اعضای هیات اوین به تاریخ ۱۵ اگوست ۱۹۸۸ مینویسد:

این گونه قتل عام بدون محاکمه، آن هم نسبت به زندانی واسیر قطعا در دراز مدت به نفع آنهاست و دنیا ما را محکوم می کند و آنان را بیشتر به مبارزه مسلحانه تشویق میکند. [۱۲]

سازمان عفو بین الملل در سال ۱۹۹۰ در گزارشی درخصوص کشتار جمعی زندان در سال ۱۹۸۸، مینویسد:

اعدام زندانیان سیاسی که در اقصی نقاط ایران انجام شده است اغلب در نقاطی بوده که بسیار از محل حمله دور بوده است. این اعدامها اغلب شامل زندانیان سیاسی از جمله تعداد نامعلومی زندانیان عقیدتی که پیش از آن سالها در زندان به سر می برده اند بوده است. آنها نمی توانستند هیچ نقشی در حمله یاد شده داشته باشند. آنها در موقعیتی نبوده اند که بتوانند نقش جاسوس را ایفا کنند و در عملیات تروریستی نقش ایفا کنند. بسیاری از آنان پیش از آن محاکمه و به مدت های مختلفی به حبس در سالهای آغازین دهه هشتاد محکوم شده بودند، بسیاری از آنها فعالیت های غیرخوشونت امیز از جمله پخش روزنامه و یا اعلامیه داشته اند، در تظاهرات شرکت کرده و یا برای خانواده های زندانیان پول جمع آوری می کردند. بسیاری از اعدامیان در زمان دستگیری دانشجوی یا دانش آموز و در سنین نوجوانی یا جوانی بوده اند. اکثریت قربانیان اعدام هواداران سازمان مجاهدین ایران بوده اند ولی صدها عضو و هوادار گروه های سیاسی دیگر از جمله سازمان فداییان خلق ایران (جناحهای مختلف)، حزب توده، حزب دموکرات کردستان ایران، راه کارگر و دیگران نیز بوده اند. [۱۳]

آیت الله منتظری با استناد به مقاماتی که در انجام این اعدامها مسئولیت داشته اند تعداد اعدام شدگان را ۲۸۰۰ یا ۳۸۰۰ نفر اعلام می کند، ولی میگوید "تردید از من است." فعالان ایرانی، نام ۴۴۸۱ زندانی سیاسی را که به گفته آنان در آن زمان اعدام شده اند را منتشر کرده اند. [۱۴] از آنجایی که دولت ایران از اعلام لیست کامل افراد اعدام شده و یا حتی تصدیق و قبول اعدامها سرباز می زند، ابعاد و گستردگی این قتل عام هنوز نامعلوم و ناشناخته است.

خانواده های زندانیان اعدام شده به صورت مکرر به دولت نامه نوشته اند و از دولت خواسته اند تعداد زندانیان اعدام شده و محل دفن آنها را خوستار شده اند. در ژانویه ۲۰۰۳، آنها همچنین در نامه ای

میشد. [۸] آیت الله منتظری جزئیات بیشتری از این روند که به سرعت انجام شده را شرح می دهد:

بالاخره مدتی ملاقاتهای زندانیان را تعطیل کردند و بر حسب گفته متصدیان با استناد به این نامه حدود دو هزار و هشتصد یا سه هزار و هشتصد نفر زندانی - تردید از من است - از زن و مرد را در کشور اعدام کردند، حتی افرادی که نماز میخواندند، روزه می گرفتند، طرف را می آوردند و به او میگفتند بگو غلط کردم، او هم به شخصیتش بر می خورد نمیگفت، می گفتند پس تو سر موضع هستی و او را اعدام می کردند. [۹]

در نامه چهارم اگوست ۱۹۸۸ آیت الله منتظری به ایت الله خمینی وی به ارائه نمونه ای از روند بازجویی زندانیان و تعیین سرنوشت آنان می پردازد و می نویسد:

سه روز قبل قاضی شرع یکی از استانهای کشور که مرد قابل اعتمادی میباشد با ناراحتی از نحوه اجرای فرمان حضرت تعالی به قم آمده بود و میگفت: مسئول اطلاعات یا دادستان - تردید از من است - از یکی از زندانیان برای تشخیص اینکه سر موضع است یا نه پرسید: تو حضری سازمان منافقین را محکوم کنی؟ گفت آری، پرسید حضری مصاحبه کنی؟ گفت آری، پرسید حضری برای جنگ عراق به جبهه بروی؟ گفت آری، پرسید حضری روی مین بروی؟ گفت مگر همه مردم حاضرند روی مین بروند! وانگهی از من تازه مسلمان شده نباید تا این حد انتظار داشت، گفت معلوم میشود توهنوز سر موضعی و با او معامله سر موضع انجام داد و این قاضی شرع میگفت من هر چه اصرار کردم پس ملاک اتفاق آرا باشد نه اکثریت، پذیرفته نشد. [۱۰]

آیت الله منتظری مصطفی پورمحمدی را به عنوان نماینده وزارت اطلاعات در هیات زندان اوین معرفی می کند و معتقد است او نقش مهمی در قتل عام زندانیان تهران ایفا کرد. او دیدار خود با پورمحمدی و دیگر اعضای هیات زندان اوین را چنین شرح می دهد:

این نامه دوم من راجع به این موضوع بود؛ بعد من دیدم آنها دارند کارشان را ادامه میدهند، اول محرم شد من آقای نیری که قاضی شرع اوین و آقای اشراقی که دادستان بود و آقای رئیسی معاون دادستان و آقای پور محمدی که نماینده اطلاعات بود را خواستم و گفتم الان محرم است حداقل در محرم از اعدامها دست نگه دارید، آقای نیری گفت: "ما تا الان هفتصد و پنجاه نفر را در تهران اعدام کرده ایم، دویست نفر را هم به عنوان سر موضع از بقیه جدا کرده

در ۲۰ ژوئن ۱۹۹۹ دادستان مجتمع قضایی نیروهای مسلح اعلام کرد که مغز متفکر پشت این قتل‌ها یکی از مسئولین عالی رتبه وزارت اطلاعات به نام سعید امامی است و امامی نیز در حبس خودکشی کرده است.

سازمان دیده بان حقوق بشر، با چندین روزنامه نگار و فعالان حقوق بشر در ایران مصاحبه کرده است. آنها در این خصوص اظهار داشته اند، مسئولیت قتل‌های زنجیره‌ای مقامات عالی رتبه دیگر این وزارت خانه را نیز در برمی گیرد. اکبر گنجی خبرنگار برجسته به صورت گسترده‌ای در این خصوص نوشته است. [۱۷] در خصوص این اظهارات، ناصر قوامی، رییس سابق کمیته قضایی مجلس ششم، گفت: " متأسفانه این پرونده از ابتدا مسیر طبیعی را نپیمود و ریشه‌یابی نشد و کسانی که فرمان قتل‌ها را صادر کرده بودند، هیچ گاه معلوم نشدند و به جرم آنها رسیدگی نشد و تا وقتی به این پرونده‌ها رسیدگی نشود، اتفاقات ناگوار این چنینی احتمال دارد که باز هم تکرار شود." [۱۸]

در نوامبر سال ۲۰۰۰، داوود سلیمانی عضو دیگر مجلس ایران، به اینکه آمران قتل‌های زنجیره‌ای دور از دسترس تحقیقات قضایی بودند اعتراض کرد. او گفت: " همیشه موضوع آمران و عاملان پرونده در حاله‌ای از ابهام بوده‌اند و این موضوع افکار عمومی را راضی نکرده است لذا با نوید رییس قوه‌ی قضاییه باید آمران و عاملان محاکمه شوند تا ضریب امنیتی جامعه بالا رود و در نتیجه کسی به خود اجازه ندهد قانون شکنی کرده و دست خود را به جنایت آلوده کند." [۱۹]

کمیسیون اصل نود مجلس، طبق ماده‌ای از قانون اساسی ایران که به پارلمان قدرت می‌دهد که از همه بخش‌های قوای سه گانه تحقیق و تفحص کند، در اگوست سال ۲۰۰۰ تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرد اما قادر نشد تا آن را کامل کند. [۲۰] مطابق گفته حسین انصاری راد، رییس این کمیته گفت: " ما در رسیدگی به این پرونده به اشخاصی رسیدیم که قدرت برخورد با آنها را نداشتیم، بنابراین پرونده مسکوت ماند." [۲۱] او افزود: " حسب قراین و شواهدی که تاکنون در روزنامه‌ها منتشر شده و بعضی از علایم و شواهدی که وجود دارد و نمی‌توان از آن گذشت، پرونده از یک پیچیدگی خاصی برخوردار است و بیش از متهمانی که رسماً اتهام به آنان وارد شده و یا افرادی که مستقیماً مباشر این حادثه بوده‌اند، حسب نقدهای بسیار، احتمال دخالت و دست داشتن

به کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل، مری رابینسون و رییس گروه کاری بازداشت‌های خودسرانه سازمان ملل، لویی ژوانه نامه‌ای نوشتند و کمک آنها را برای مشخص کردن حقایق اعدام زندانیان سیاسی خواستار شدند. [۱۵] بر طبق اظهارات خانواده‌های برخی از این زندانیان اعدام شده، جسد بسیاری از آنها به صورت بی نشان در گورهای دسته جمعی و فردی در منطقه خاوران تهران به خاک سپرده شده است. این خانواده‌ها اغلب برای یادبود بستگان اعدام شده خود در خاوران گرد هم می‌آیند. [۱۶]

خانواده برخی از زندانیان اعدام شده به سازمان دیده بان حقوق بشر گفتند که در سپتامبر ۲۰۰۵ دولت جدید شروع به تغییر شکل این منطقه در خاوران کرده و سنگ قبرهایی را که توسط خانواده‌ها در آنجا گذاشته شده بود را ویران کرده است. آنها گفتند که دولت در حال تغییر شکل و نابود کردن محل یاد شده برای از بین بردن هر نوع مدرکی از محل خاک سپاری افراد یاد شده است.

#### پور محمدی و قتل‌های زنجیره‌ای سال ۱۹۹۸

مصطفی پورمحمدی در سال ۱۹۹۸ زمانی که مامورین وزارت اطلاعات پنج روشنفکر و فعال سیاسی برجسته ایرانی را به قتل رساندند، معاون وزیر اطلاعات بوده است:

● داریوش و پروانه فروهر در ۲۲ نوامبر در منزل خود در تهران به قتل رسیدند

● مجید شریف در ۲۰ نوامبر ناپدید شد و جسدش ۲۵ نوامبر در خیابانی در تهران یافته شد

● محمد مختاری در تاریخ ۳ دسامبر ناپدید و جسدش در ۹ دسامبر پیدا شد

● جعفر پوینده در تاریخ ۹ دسامبر ناپدید و جسدش در ۱۳ دسامبر در حومه شهر تهران یافته شد.

داریوش و پروانه فروهر از فعالان پرسابقه سیاسی و رهبران حزب ملت ایران از سال ۱۹۵۱ به این سو بوده‌اند. شریف، مختاری و پوینده به عنوان نویسندگان و روزنامه نگار گراندیش شناخته شده بودند.

این قتل عام در ایران به "قتل‌های زنجیره‌ای" شهرت دارد. به دلیل فشار رییس جمهوری وقت محمد خاتمی، در ۵ ژانویه ۱۹۹۹ وزارت اطلاعات قبول کرد که مامورین این وزارت در طراحی این قتل‌ها دست داشته‌اند. در نتیجه این تصدیق، مقامات ایرانی، ۱۸ نفر را دستگیر و آنها را به دست داشتن در این قتل‌ها متهم کردند.

افراد دیگر از بیرون و به عناوین مختلف در این پرونده وجود دارد." [۲۲]

یک منبع با آگاهی دست اول از تحقیقات کمیسیون اصل نود به سازمان دیده بان حقوق بشر گفت: "تحقیق کنندگان از درگیر بودن پورمحمدی در پرونده حکایت می‌کردند. حتی نزدیک بود قرار توقیف وی نیز صادر شود. اما به جای آن ترتیبی داده شد تا او پست خود را در وزارت اطلاعات ترک کند." [۲۳] یکی دیگر از منابع موثق، که خواسته ناشناس بماند، این موضوع را نزد سازمان دیده بان حقوق بشر تصدیق کرده است که تحقیقات بر نقش پورمحمدی در این پرونده دلالت می‌کند. سازمان دیده بان حقوق بشر در تاریخ ۲۸ اکتبر سال ۲۰۰۵ نامه‌ای به مصطفی پورمحمدی نوشت و از او درخواست کرد نسبت به این اظهارات پاسخ بدهد. تا ۸ دسامبر ۲۰۰۵ دیده بان حقوق بشر هیچ جوابی را در این خصوص دریافت نکرد.

کشتار مخالفان دولت محدود به موارد یاد شده در داخل ایران نبوده است. از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹، پورمحمدی همچنین رییس بخش امنیت خارجی وزارت اطلاعات بوده است. در این زمان، دهها چهره سیاسی مخالف در خارج از کشور به قتل رسیده‌اند. در برخی از این موارد مانند قتل شاهپور بختیار، نخست وزیر پیشین ایران و کشتار سه رهبر کرد در استوران میکونوس در آلمان، دست داشتن دولت ایران کاملاً محرز و مسلم است و در دیگر موارد اظهارات معتبر و موثقی در خصوص دست داشتن دولت ایران وجود دارد. [۲۴]

برخی از اعضای مجلس از کاندیداتوری پورمحمدی (برای تصدی وزارت کشور) به عنوان یک عنصر تندرو و خطرناک انتقاد کردند. هنگام اخذ رای اعتماد برای وزراء، عماد افروغ، نماینده محافظه کار، به نامزدی پورمحمدی به خاطر سوابقش در سمت‌های اطلاعاتی و امنیتی مخالفت کرد. وی گفت: "وزیر کشور باید فهم عمیق از حقوق شهروندی داشته باشد، اگر ایشان برداشت یکسویه از حقوق شهروندی داشته باشند، جامعه را دچار چالش میکند."

افروغ با ارجاع دادن سخنان خود به نقش سرکوبگرانه پورمحمدی در شورش‌های شهری در سال ۱۹۹۲ پرسید: "ایشان چطور می‌خواهد با این نیروهای گریز از مرکز مقابله کند؟ من یادم نرفته که در سال ۷۲ جنبشهای شهری را در شیراز، مشهد، مبارکه، چگونه قلع و

قمع کردند و به خاک و خون کشیدند، چون سهمی نداشتند." [۲۵] اودرادامه سخنانش گفت:

ایشان رئیس اطلاعات خارجی، معاون و جانشین وزرات اطلاعات و مدت سه سال و نیم جانشین یکی از وزرای شناخته شده بودند و از جایی آمده‌اند که عادت کرده است که در یک سنگر حساس ایفای نقش کند، یک شاکله و سبقه و جوهره ای پیدا کرده است و اینها عادت کرده‌اند که نبینند و نشوند و یا دیگران را وادار کنند که نبینند و نشوند، در حالی که ماهیت وزارت کشور به گونه ای است که باید دید و شنید، چرا باید ریسک کرد. عزیزان اتفاقاتی که در سالهای گذشته در این وزارتخانه رخ داد والله با حقوق انسانی و الهی شهروندی موجه و قابل دفاع نیست، و هم اکنون سوال می‌کنم با مرتکبین آن قتل‌ها چه برخوردی شد؟ [۲۶] در همان جلسه درمجلس، الیاس نادران، دیگر عضو محافظه کار مجلس به تصدی پورمحمدی بر بخش خارجی وزارت اطلاعات مقارن با کشتار جمعی از مخالفان سیاسی حکومت در خارج از کشور اشاره کرد. او گفت: "با انتصاب یک عنصر اطلاعاتی در رأس وزارت کشور، چالشهای بیرونی نظام تشدید شده... تصور کنید روابط با کشورهای که پرونده‌هایی علیه ما دارند به شکلی باشد که وقتی وزیر کشور در آنجا حضور پیدا می‌کند به بهانه آن اتهامات او را دستگیر کنند." [۲۷]

#### محسنی اژه‌ای: از نفتیش عقاید تا وزیر اطلاعات

غلامحسین محسنی اژه‌ای، وزیر جدید اطلاعات یکی از چهره‌های کلیدی اصلی پیگرد و بازجویی از روحانیون اصلاح طلب و سیاستمداران و همچنین سرکوب آزادی مطبوعات در ایران در ظرفیت‌های مختلف قضایی که داشته بوده است. در ژانویه ۱۹۹۹، او از حمله قوه قضاییه علیه مطبوعات خبر داد که به دنبال آن بیش از ۱۰۰ روزنامه و نشریه توقیف شدند:

لحنی که در روزنامه توس به کار گرفته شده جریانهای مختلف و مردم را علیه نظام و امنیت کشور تحریک کرده و اگر این جرایم در دادگاه به اثبات برسد، عوامل آن محارب هستند و تکلیف محارب را نیز قانون بروشنی مشخص کرده است... من به عنوان رییس مجتمع قضایی ویژه اعلام می‌کنم چنانچه نشریات معاند به هشدار دوم مقام رهبری توجه نکنند، ما بنا به تکلیف خود با جدیت، چه در قالب دادگاههای عمومی و چه در قالب دادگاههای

در خصوص وجود نامه‌ای که توسط محسنی اژه‌ای برای قتل پیروز دوانی صادر شده است، دارد. او به دلیل مسائل امنیتی درخواست کرده که ناشناس بماند.

در ماه ژوئن سال ۱۹۹۸، محسنی اژه‌ای ریاست دادگاه شهردار سابق تهران غلامحسین کرباسچی را به عهده داشت. کرباسچی به عنوان شهردار تهران نقش فعالی در پیکار انتخاباتی ریاست جمهوری برای سید محمد خاتمی در سال ۱۹۹۷ داشت. تعدادی از معاونین کرباسچی نیز دستگیر شدند و کرباسچی گفت که آنها برای بدست آوردن اقرار و اینکه او را متهم کنند، شکنجه شده‌اند. [۳۴] در جریان دادگاه کرباسچی کرارا از محسنی اژه‌ای خواست تا در خصوص شکنجه و بدرفتاری و فشار و تهدید تحقیق کند. اما درخواست او نادیده گرفته شد. دادگاه کرباسچی را به سه سال زندان و محرومیت از داشتن سمت دولتی تا ۱۰ سال محروم کرد. [۳۵]

همچنین در ۲۳ ماه می ۲۰۰۴، محسنی اژه‌ای به عنوان نماینده قوه قضاییه در کمیته نظارت بر مطبوعات، در اتفاقی حیرت برانگیز به روزنامه نگار شناخته شده اصلاح طلب، عیسی سحرخیزدراثنای جلسه حمله کرد و او را گاز گرفت. [۳۶]

#### نتیجه گیری

اظهاراتی که در این گزارش خلاصه آمده است، به شدت جدی است و دولت ایران می‌بایستی تحقیقاتی وسیع، بی طرف و مستقل را به منظور بررسی عملکرد دو وزیر یاد شده، انجام دهد. از آنجا که این اظهارات معتبر و در برگیرنده جرایمی بسیار مهم و خطرناک است، رییس جمهوری محمود احمدی‌نژاد باید مصطفی پورمحمدی و محسنی اژه‌ای را از سمت وزارت کشور و وزارت اطلاعات برکنار کند تا زمانی که نتایج این تحقیقات روشن شود. نتیجه این تحقیقات باید به اطلاع افکار عمومی برسد. اگر این اتهام‌ها به اثبات برسد افراد یاد شده باید در چارچوب حدود قانونی و روند قضایی مطابق استانداردهای بین المللی مورد محاکمه قرار گرفته و به مجازات برسند.

مصطفی پورمحمدی، بر اساس اظهارات یاد شده به عنوان یکی از مقاماتی که دستور قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸ را صادر کرده است، متهم به شرکت فعالانه در جنایت بر علیه بشریت می‌باشد. جنایت بر علیه بشریت برای اولین بار در منشور دادگاه نورنبرگ به عنوان جنایاتی تعریف شده‌اند "که ابعاد و اندازه

انقلاب قاطعانه با آنها برخورد کرده و تعرض به مبانی اسلام و انقلاب و امنیت کشور را تحمل نمی‌کنیم. [۲۸]

در ششم جولای ۱۹۹۹، روزنامه سلام نامه دولتی که توسط سعید امامی، مامور امنیتی که طبق اظهارات یاد شده مغز متفکر قتل‌های زنجیره‌ای بود، را منتشر کرد. در این نامه امامی از برنامه سرکوب مطبوعات اصلاح طلب خبر داده بود. محسنی اژه‌ای به عنوان دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت، روز بعد از آن دستور توقیف روزنامه سلام را صادر کرد. کیفرخواستی علیه مدیر مسئول روزنامه سلام، حجت الاسلام سید محمد موسوی خویینی‌ها ارائه کرد، کسی که تنها چند هفته بعد توسط دادگاه ویژه روحانیت به جرم تهمت به مامور دولت و نشر اکاذیب و توهین آمیز مجرم شناخته شد. [۲۹]

محسنی اژه‌ای همچنین به عنوان دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت، هدایت بازجویی روحانیون کلیدی اصلاح طلب مانند عبدالله نوری و محسن کدیور را به عهده داشت. در ماه مارس ۱۹۹۹، دادگاه ویژه روحانیت محسن کدیور، محقق شیعه شناخته شده اصلاح طلب را بر اساس سخنرانی او که در آن به محرک‌ها و علت‌هایی که به قتل‌های زنجیره‌ای اشاره کرده بود، به تشویش اذهان عمومی متهم کرد. دادگاه همچنین او را متهم به "تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی" کرد، ان هم بر اساس مصاحبه‌ای که در آن کدیور گفته بود که برخی از ساختار نظام شاهی دست نخورده باقی مانده است. دادگاه او را با این دو اتهام به یک سال و نیم زندان محکوم کرد. [۳۰] در نوامبر ۱۹۹۹، دادگاه ویژه روحانیت، عبدالله نوری وزیر سابق کشور و مدیرمسئول روزنامه خرداد را به این جرم که روزنامه مقالاتی را برای بدنام کردن نظام و اشاعه اکاذیب و تبلیغ علیه دولت منتشر کرده است به ۵ سال زندان محکوم کرد. [۳۱]

چندین روزنامه نگار و فعال اظهار داشته‌اند که محسنی اژه‌ای دستور قتل پیروز دوانی، دگراندیش و فعال سیاسی را صادر کرده است که بنا بر این اظهارات در سال ۱۹۹۸ توسط مامورین وزارت اطلاعات ربوده و کشته شد. جسد دوانی هیچ گاه پیدا نشد. اکبر گنجی محسنی اژه‌ای را به قتل پیروز دوانی متهم کرده است. [۳۲] عبدالله نوری و عماد الدین باقی روزنامه نگار، اتهام‌های مشابهی را علیه محسنی اژه‌ای ابراز داشته‌اند. [۳۳] یک منبع موثق ایرانی به دیده بان حقوق بشر گفته است که او اطلاعات دست اول و دقیقی

است. اصل ۹ شیوه انجام تحقیق و بررسی در این زمینه را چنین عنوان می‌کند:

کلیه موارد مشکوک به اعدام‌های غیرقانونی، خودسرانه و سریع باید تحت بررسی کامل، فوری و بی طرفانه قرار گیرد. این موارد مشکوک از جمله شامل شکوائیه بستگان و یا گزارش‌های موثق درباره مرگ غیرطبیعی تحت شرایط فوق الذکر می‌شود. حکومت‌ها باید دارای دفاتر پیگیری و آیین‌های دادرسی برای رسیدگی به چنین مواردی باشند. هدف از این رسیدگی تعیین علت، شیوه و زمان مرگ، یافتن فرد مسئول و نیز شناسایی هر گونه طرح برنامه ریزی شده و یا عملی که به مرگ منجر شده است می‌باشد. این بررسی شامل کالبد شکافی لازمه، جمع آوری و تحلیل کلیه شواهد ملموس و مستند و نیز بیانیه‌های شهود می‌باشد. این بررسی همچنین باید بین مرگ طبیعی، مرگ اتفاقی، خودکشی و قتل تمایز قائل شود.

اصل ۱۱ تصریح می‌کند:

در کلیه مواردی که بدلائلی نظیر فقدان تخصص و بیطرفی، اهمیت موضوع و یا وجود روند آزار و سوء استفاده، آیین‌های دادرسی و تحقیقاتی جاری کافی نیستند و یا در مواردی که خانواده قربانیان از این نقص‌ها و یا از هر موضوع ملموس دیگری شکایت دارند، حکومت‌ها باید با بهره‌گیری از یک کمیسیون رسیدگی بی طرف و یا گام‌های مشابه دیگری اقدام به پیگیری و تحقیق نمایند.

اصل ۱۹ تصریح می‌کند:

ضمن ملاحظه اصل سوم در بالا، دستور مقام مافوق و یا یک قدرت دولتی نمی‌تواند به عنوان توجیهی برای اعدام‌های غیرقانونی، خودسرانه و یا سریع مورد استناد قرار گیرد. افراد مافوق و یا سایر مقام‌های دولتی میتوانند مسئول اعمال زیردستان خود قلمداد می‌شوند که امکان مستدلی برای پیگیری از ارتکاب این اعمال داشته‌اند. متهمین به دخالت در اعدام‌های غیرقانونی، خودسرانه و یا سریع تحت هیچ شرایطی حتی موقعیت جنگی، محاصره و یا هر نوع وضعیت اضطراری عمومی دیگری نباید مورد مصونیت از تعقیب قانونی قرار گیرند. [۴۰] اصل ۸ از طریق اقداماتی نظیر حضور و دخالت‌های دیپلماتیک، به مکانیسم‌های بین دولتها و قضایی و نیز تقبیح عمومی، یک بعد بین دولتی و یا بین المللی برای اینگونه تحقیقات و نیز تلاش‌هایی که برای پیگیری از اعدام‌های غیرقضایی، خودسرانه و سریع انجام می‌شوند، فراهم

بیرحمی و وحشیگری آن و یا تعداد وسیع آن و یا بر مبنای برنامه ریزی مشابه به عمل گذاشته‌اند...موجب خطر برای جامعه بین المللی شده‌اند و یا به صورت تکانه‌دهنده‌ای وجدان بشریت را آزرده‌اند. [۳۷] اخیراً جنایت بر علیه بشریت در تعدادی از میثاق‌های بین المللی و مقررات رم برای دادگاه بین المللی جنایی تعریف شده است. [۳۸]

اگر ریس جمهوری محمود احمدی‌نژاد فوراً پورمحمدی و محسنی اژه‌ای را از مسئولیت‌های حال حاضرشان برکنار نکند و دستور تحقیقات مستقلی برای رسیدگی به اتهامات سنگینی که متوجه این دو شخص می‌باشد را ندهد، مجلس باید رای عدم اعتماد به این دو وزیر را صادر و خود به ایجاد کمیسیون تحقیق مستقل در این زمینه اقدام کند. [۳۹]

چنین تحقیقات مستقلی باید با هدف شناسایی تمامی کسانی که طبق اظهارات یاد شده مسئول جنایات ذکر شده هستند انجام شود و نقش آنها را مشخص کند. استاندارهای بین المللی حقوق بشر به خصوص "اصول پیشگیری موثر و تحقیقات در زمینه اعدام‌های غیرقضایی، خودسرانه و سریع" (مراجعه کنید به پیوست) راهبردی برای چگونگی انجام چنین تحقیقاتی برای بررسی مهمترین اتهامات وارده به پورمحمدی و محسنی اژه‌ای - شرکت در کشتار غیر قضایی، خودسرانه و سریع - ارائه می‌دهند.

قوه قضائیه ایران خود در بسیاری از موارد نقض حقوق بشر که در این گزارش خلاصه به آنها اشاره شده است درگیر می‌باشد و در عمل نشان داده است که توانایی انجام تحقیقات بیطرفانه در این موارد را ندارد.

امروزه بحران شدید گریز از عدالت و عدم پاسخگویی در بالاترین سطوح گریبانگیر دولت ایران شده است. سایه گسترده این بحران، بطور جدی مشروعیت و اعتبار دولت جدید را در میان ایرانیان و در سطح جامعه بین المللی به زیر علامت سوال برده است. تحقیقات مستقل و معتبر برای تعیین اینکه این دو وزیر در جنایات ذکر شده چه نقشی ایفا کرده‌اند ضرورتی بسیار فوری و مبرم در راستای برخورد با این بحران می‌باشد.

#### پیوست

بر گرفته از "اصول پیشگیری موثر و تحقیقات اعدام‌های غیرقضایی، خودسرانه و سریع" که توسط قطعنامه ۱۹۸۹/۶۵ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در ۲۴ مه ۱۹۸۹ توصیه شده

[۲۰] ماده ۹۰ قانون اساسی ایران: "هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند."

[۲۱] "بازخوانی تاریخی پرونده قتل‌های زنجیره ای"، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۰ نوامبر، ۲۰۰۴.

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-457431>  
[۲۲] همان.

[۲۳] مصاحبه دیده بان حقوق بشر، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۵. این شخص درخواست کرده است به دلیل نگرانی‌های امنیتی و دوری از خطر ناشناس باقی بماند.

[۲۴] "ایران: دادگاه میکونوس شواهد بیشتری راز سیاست دولتی ایران برای کشتار غیرقانونی فراهم می‌کند"، سازمان عفو بین الملل، ۱۰ آوریل ۱۹۹۷، ایندکس MDE 13/015/1997

"ایران: عفو بین الملل نگران امکان نقش دولت ایران در قتل شهروندان ایرانی"، عفو بین الملل، ۲۸ فوریه ۱۹۹۶، ایندکس MDE 13/007/1996

[۲۵] "بررسی رای اعتماد به وزیر پیشنهادی کشور"، خبرگزاری کار، ۲۴ آگوست ۲۰۰۵.

<http://www.ilna.ir/shownews.asp?code=225685&code1=11>  
[۲۶] همان.

[۲۷] "بهای مخالفت با جنجالی‌ترین چهره دولت احمدی نژاد"، بی بی سی فارسی، ۲۴ آگوست ۲۰۰۵.

[http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/08/050824\\_m\\_f\\_afrough.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/08/050824_m_f_afrough.shtml)  
[۲۸] روزنامه خرداد، ۱۶ ژانویه ۱۹۹۹، نقل شده از کتاب تاریخخانه اشباح، صفحه ۳۲.

[۲۹] "یورش به روزنامه‌های مستقل در ایران تشدید شده است"، دیده بان حقوق بشر، ۲۸ جولای ۱۹۹۹.

[۳۰] محسن کدیور، بهای آزادی، نشر نی، تهران، ۲۰۰۰.

[۳۱] عبدالله نوری، شوکران اصلاح، نشر نو، تهران، ۱۹۹۹.

[۳۲] "فراخوان برای پایان مصونیت قاتلان و کسانی که پشت قتل‌های زنجیره ای روشنفکران و روزنامه نگاران بوده اند"، گزارشگران بدون مرز، ۲۱ نوامبر ۲۰۰۳، [http://www.rsf.org/article.php3?id\\_article=8580](http://www.rsf.org/article.php3?id_article=8580)

[۳۳] "ضربه به دستگاه اطلاعاتی"، روزنامه آن لاین روز، ۱۵ آگوست ۲۰۰۵.

<http://roozonline.com/02article/009392.shtml>

[۳۴] متن دادگاه غلامحسین کرباسچی، محاکمه و دفاع، فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۹۹۸.

[۳۵] همان.

[۳۶] "محسنی اژه ای سحر خیز را گاز گرفت"، بی بی سی فارسی، ۲۴ می ۲۰۰۴، [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/05/040524\\_m\\_f\\_fight.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/05/040524_m_f_fight.shtml)

نموده است. سازوکارهای بین دولتها باید برای بررسی گزارش‌های مربوط به هر یک از این نوع اعدام‌ها و نیز برداشتن گام‌هایی موثر برای جلوگیری از این اعمال بکار گرفته شوند.

[۱] "سوابق وزرای پیشنهادی"، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۴ آگوست ۲۰۰۵ <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-568867>  
[۲] همان.

[۳] "آغاز فصلی سرد برای روزنامه نگاران ایران"، گزارشگران بدون مرز، ۲۳ نوامبر ۲۰۰۵. [http://www.rsf.org/article.php3?id\\_article=15690](http://www.rsf.org/article.php3?id_article=15690)

[۴] برای این گزارش دیده بان حقوق بشر با دوازده روزنامه نگار، فعالان اجتماعی و سیاسی و برخی مسئولین پیشین دولت در داخل و خارج کشور مصاحبه کرده ست. همه آنها خواسته اند که به خاطر نگرانی برای امنیتشان ناشناس باقی بمانند.

[۵] "با حکم وزیر کشور: سردار ذوالقدر قائم مقام وزارت کشور شد"، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۵ نوامبر ۲۰۰۵.

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-620346>  
[۶] خاطرات آیت الله منتظری، جلد اول صفحه ۶۲۳.

<http://www.amontazeri.com> آخرین دسترسی به سایت ۸ سپتامبر ۲۰۰۵.

[۷] همان منبع صفحه ۶۳۳

[۸] همان منبع صفحه ۶۲۳

[۹] همان منبع صفحه ۶۲۸

[۱۰] همان منبع صفحه ۶۳۳

[۱۱] همان منبع صفحه ۶۳۵

[۱۲] همان منبع صفحه ۶۳۵

[۱۳] "ایران نقض حقوق بشر بین سالهای ۱۹۹۰-۱۹۸۷"، سازمان عفو بین الملل، ایندکس MDE 13/2/90

[۱۴] لیست زندانیان اعدام شد در آدرس <http://www.asre-nou.net> قابل دسترسی است. آخرین دسترسی ۲۴ اکتبر ۲۰۰۵.

[۱۵] متن این سه نامه در آدرس زیر قابل دسترسی است. آخرین دسترسی ۲۴ اکتبر ۲۰۰۵

[http://www.bidaran.com/article.php3?id\\_article=25](http://www.bidaran.com/article.php3?id_article=25)

[۱۶] اطلاعات مربوط به خاوران در سایت زیر قابل دسترسی است. آخرین دسترسی ۲۴ اکتبر ۲۰۰۵

[http://www.bidaran.com/rubrique.php3?id\\_rubrique=13](http://www.bidaran.com/rubrique.php3?id_rubrique=13)

[۱۷] نگاه کنید به اکبر گنجی، تاریخخانه اشباح و عالی جناب سرخپوش. گنجی به شش سال زندان محکوم واز آوریل سال ۲۰۰۰ به خاطر نوشته هایش زندانی شد. او هنوز زندانی است.

[۱۸] "بازخوانی تاریخی پرونده قتل‌های زنجیره ای"، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۰ نوامبر، ۲۰۰۴.

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-457431>  
[۱۹] همان.

ها - اما در واقع به دلیل نقد قدرت غیر پاسخگو که نه توجیه شرعی دارد نه عرفی - تا این حد مجازات می شود؟ کجای دنیا فردی بیمار را ممنوع الملاقات با وکیل و با خانواده، ممنوع التلّفن، ممنوع المعالجه، ممنوع المطالعه، ممنوع التغذیه نموده و در انفرادی حبس می کنند؟ آیا انتقام گرفتن از یک فرد، برخی را آنقدر بی رحم کرده که مرگ منتقد را لحظه شماری می کنند؟ آیا اینها نشانه های مهرورزی و عدالت طلبی است؟ رفتار با گنجی نشان می دهد که شعار عدالت خواهی و مهرورزی با شهروندان تا چه حد به واقعیت نزدیک است. گنجی را مهرورزانه کتک زدند، برای اثبات مهربانی شان به او زشت ترین دشنام ها را دادند و در انفرادی حبس کردند. ممنوعیت از تلفن و ملاقات با خانواده و وکیل برای اثبات عدالت خواهی و رفت اسلامی است؟ رفتار و برخورد با مخالفان و دگراندیشان، ملاک و میزان پایبندی به شعارها است، نه امتیاز دادن به خودیها و متملقان. فرزندان گنجی ۶ سال است که از پدر محرومند. آنچه در این سال ها و مخصوصا در ۷ ماه اخیر بر آنها رفته، واهی بودن ادعاها و پوچ و توخالی بودن شعارهای پررنگ و لعاب مدعیان دروغین عدالت و قانون مداری را می رساند. فرزندان گنجی و مادر پیر و چشم به راهش با روح و جسم خود، عدالت و مهرورزی حکومت را احساس کرده و می کنند. آیا این بی گناهان منتظر، حق دارند که از خود بپرسند که این چه عدالتی و چه حکومت اسلامی است که در طول ۴ ماه فقط ۲ بار به آنها اجازه ملاقات با عزیز بیمار و دربند خود را داده است؟ ننگ و نفرت بر آنانی باد که بهانه هدفی به زعم خود مقدس از ددمنشانترین روشها استفاده کرده و به گمان خود به فریب دیگران مشغولند که در واقع جز خود را نمی فریبند. نگاهی به سرنوشت محتوم مستبدین تاریخ گذشته و معاصر، درس عبرتی برای همه عاشقان و سرسپردگان قدرت است، باشد که دریابند.

معصومه شفیعی - چهارشنبه ۸۴/۹/۲۳ - صدویکمین روز زندان انفرادی اکبر گنجی

#### بقیه از صفحه ۲۵

حق و حقوق کارگر که این قشر زحمتکش و مصیبت دیده است توجهات لازم بعمل بیاید. بصورتیکه یک قشر عظیم کشور را کارگر تشکیل می دهد و با کار و تولید آن کارگر است که آن مملکت می تواند به استقلال، خودکفایی و سرفرازی برسد.

**هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد**

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر

[۳۷] تاریخ کمیسیون جنایات جنگی سازمان ملل و تدوین قوانین جنگ، ۱۹۴۳، صفحه ۱۷۹، از سخنان رادنی کورت، "جنایات علیه بشریت" در توضیحی بر Rome Statute of the International Criminal Court (O. Triffterer, ed.) (1999) صفحه ۱۲۳

[۳۸] Rome Statute of the International Criminal Court, 2187 U.N.T.S. 3, entered into force July 1, 2002. Also see Rodney Dixon, "Crimes against humanity," in Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court (O. Triffterer, ed.) (1999), p. 122

این استاندارد به ماده ۷ مقررات رم برای دادگاه بین المللی جنایی بکار بسته میشود. ایران یکی از امضا کنندگان این مقررات نیست و موظف به آن نیست. ولی تعریف ماده ۷ مطابق مفهوم جنایت بر علیه بشریت در قوانین عرفی بین المللی میباشد.

[۳۹] مجلس تا کنون سه کاندیدای نامزد شده توسط رییس جمهوری احمدی نژاد را برای وزارت نفت رد کرده است.

[۴۰] اصل ۳ خاطرنشان می کند: "دولت ها باید صدور فرامین مقام های مافوق و دولتی را که به سایرین اجازه و یا انگیزه لازم برای انجام اعدام های غیرقانونی، خودسرانه و یا سریع را می دهند، ممنوع نمایند. کلیه اشخاص باید محق و موظف به مخالفت با اینگونه دستورات باشند. در آموزش مقام های مجری قانون باید بر موارد مذکور تاکید شود."

#### بقیه از صفحه ۲۹

ادامه می دهند و با پیمان شکنی های مکرر، عدم تعهد و پایبندی خود را نه تنها به قانون بلکه به حداقل اصول انسانی بارها و بارها اثبات کرده و می کنند. من به شدت نگران وضعیت جسمانی همسر هستم و به صراحت اعلام می کنم هر حادثه ای برای او پیش آید مسئولیت مستقیم آن به عهده زمامداران نظام است. یکی از مسئولین اخیرا به آقای گنجی گفته که: "با افکاری که تو داری، جنازه ات از اینجا بیرون برود، بهتر است. هرکس، حتی



مسئول این بازداشتگاه هم اگر چنین افکاری داشته باشد، بهتر است جنازه اش از اینجا بیرون برود." یکبار دیگر هم به او گفته: "اگر در اینجا بمبیری، بسیاری از مسئولین خوشحال خواهند شد و کسی ککش هم نمی گزد." سؤال من اینست که اینهمه برخورد نا عادلانه، غیر قانونی و غیر انسانی با یک فرد آن هم به دلیل ابراز عقایدش چه توجیهی دارد؟ در سال ۱۳۷۶، ۹۰ روز او را حبس کردند. از ابتدای سال ۷۹ هم تاکنون ۲۰۶۱ روز. یعنی جمعا ۲۱۵۱. در کجای دنیا یک فرد به بهانه در اختیار داشتن فتوکی روزنامه

## دشواری‌های ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری در ایران



مدتهاست که در میان بخش‌هایی از کارگران ایران خواست تشکیل سندیکاهای مستقل مطرح است، اگر چه مسئولان وزارت کار در ایران به این خواست توجهی نمی‌کنند. چون درخواست کارگران در عمل به معنای برچیده شدن شوراهای اسلامی کارگری است. هم اکنون چند سندیکای کارگری در ایران سازمان یافته و مشغول به فعالیت هستند. از فعالترین آنها سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است.

در رابطه با خواست کارگران برای داشتن سندیکای مستقل خود کیواندخت قهاری با آقای منصور حیات‌غیبی، عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، مصاحبه‌ای انجام داده است که در زیر ملاحظه میکنید.

**ک.ق:** آقای منصور حیات‌غیبی، نمایندگان کارگران ایران در پیامهایی که به پانزدهمین کنگره سندیکای کارگری جهان داده‌اند، برخی خواست‌های کارگران را در رابطه با سندیکاهای کارگری در ایران مطرح کرده‌اند. از شما خواهش می‌کنم برای شنوندگان ما بگویید، الان وضعیت سندیکاهای در ایران چگونه است، سندیکاهای تا چه حد گسترش دارند؟

منصور حیات‌غیبی: باید بگویم که با توجه به تفاهم نامه‌ای که از سوی آقای خالقی و صفدرحسینی (وزیران کار و امور اجتماعی در دولت محمد خاتمی) که برای جهانی شدن کارگری و اشاره به مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار به تصویب رسیده است، از طرف دیگر عوامل پشت پرده که به نام «خانه کارگر» و خودشان را تشکل‌های کارگری نامیده‌اند از این عمل عملاً دارند جلوگیری بعمل می‌آورند. بصورتی که سندیکای کارگران شرکت واحد بعد از ۲۵ سال که از فعالیت‌اش جلوگیری بعمل آمده بود، فعالیت خودش را دوباره آغاز کرد و با مجمع عمومی و اعضای که بصورت آزادانه و دمکراتیک به رای گیری پرداختند و نمایندگان خودشان را بصورت آزاد انتخاب کردند، از طرف کارفرماها به شکل‌های مختلف جلوگیری به عمل آمد بصورتی که الان در مقابل سندیکای کارگران ایران شوراهای کار اسلامی قرار گرفته‌اند که هیچگونه نمایندگی از طرف کارگر را بعهده ندارند و بقول معروف پلکانی هستند برای بالا رفتن کارفرما و هیچگونه

قدمی در راستای حق و حقوق کارگران و زحمتکششان بر نمی‌دارند که این ضربه‌ی محکمی ست بر پیکر کارگران ایران. با وجود سندیکا می‌توانند به خواسته‌های قانونی خودشان که در کتابهای قانونی و قانون اساسی آن کشور گنجانده شده است به حق و حقوق خودشان برسند، ولی متأسفانه در ایران با نامه نگاری‌هایی که از سوی اداری کار و عوامل مسئولی که در اینجا هستند به خواسته‌های کارگر بهیچ صورت رسیدگی نمی‌شود.

**ک.ق:** انتخاباتی که به آن اشاره کردید را کی توانستید برگزار کنید، یعنی از کی این فضا ایجاد شد که بتوانید نمایندگان خودتان را انتخاب بکنید؟

منصور حیات‌غیبی: این فضا از اوایل سال ۸۴ برای رشد آگاهی بچه‌ها تشکیل شد و در مورخه‌ی ۸۴/۳/۱۳ با مجمع عمومی که برای کارگران گذاشتیم، توانستیم هیأت مدیره‌ی خودمان را بصورت آزاد و دمکراسی انتخاب و به اداره‌ی کار طبق امضاهای موجود و شماره‌ی ثبتی که در اداره‌ی کار هست به ثبت برسانیم، که در مقابل این عمل هنوز هیچ اقدام قانونی از طرف اداره‌ی کار انجام نشده است. چون خود آقای خالقی و صفدرحسینی وقتی توافقنامه را به امضا رساندند دیگر باید به خواست کارگر رسیدگی بشود. در صورتیکه عملاً از نام سندیکا خودداری می‌کنند و فعلاً با جوابیه‌ای که به ما می‌دهند می‌گویند، سندیکا غیرقانونی ست.

**ک.ق:** الان شما دارید راجع به سندیکای کارگران شرکت واحد صحبت می‌کنید. وضعیت دیگر سندیکاهای هم اکنون چگونه است؟

منصور حیات‌غیبی: با رشد سندیکای کارگران شرکت واحد، صنایع مختلفی از جمله کفاشان، خیاطان، صنف فلز کار و صنایع دیگر برای ایجاد تشکیلات صنفی خودشان اقداماتی کرده‌اند که در هیأتی بعنوان هیأت موسس سندیکاهای در حال فعالیت است و برای نقش گیری کامل خودش دارند فعالیت خودشان را انجام می‌دهند. ولی با وجود فشار اداری کار و دیگر اعضای که دست‌اندرکارند یکمقدار به کندی صورت می‌گیرد.

**ک.ق:** سندیکایی که از جمله کارگران شرکت واحد توانسته‌اند سازماندهی کنند، چه کارهایی را انجام می‌دهد؟

منصور حیات‌غیبی: کلاسهای که در سندیکای کارگران شرکت واحد برگزار می‌شود قانون کار، قانون اساسی و منشور جهانی کار



ک.ق: آیا امکان این را می‌بینید که سندیکاها بعنوان سازمانهای مستقلی که خواست‌های کارگرها را بیان می‌کنند، بتوانند این خواست‌ها را در جایی جمع بندی کنند و بزودی با مقامات دولتی وارد گفتگو بشوند تا خواسته‌ی کارگران را با آنها در میان بگذارند؟

منصور حیات‌غیبی: ما در راستای خواسته‌های کارگران در طی چندماه گذشته به مسئولان که الان خدمت شما می‌گویم، اداره‌ی کار، شهرداری، وزارت کشور، نهاد ریاست جمهوری و شورای شهر نامه‌هایی را مکاتبه کردیم و به رسمیت شناختن حق و حقوق کارگران را خواستار شدیم، در صورتیکه هیچگونه اقدامی در قبال این مسایل انجام نشده است. بصورتیکه در طی این ۱۴ سالی که شوراهای کار با عنوان شورای کار اسلامی که بقول کارگران ما «شورای کارفرمایی» به خواسته‌های کارگران ما رسیدگی نکردند و طبق ماده‌ی ۱۲ شوراها، تبصره‌ی ۱، اینها هر ۲۰ سال یکبار باید دوبار جلسه‌ی فوق العاده بگذارند، مجمع عمومی بگذارند و عملکرد کارشان را برای کارگران شرح و توضیح بدهند. در صورتیکه در طی این ۱۴ سال حتا دوبار جلسه برای این عزیزان نگذاشتند و اصولا و عملا ما دیده‌ایم که اینها هیچگونه اقدامات قانونی انجام نداده‌اند. درخصوص این مسئله طبق ماده‌ی ۲۲ کارگران به اداره‌ی کار مراجعه کردند و درخواست انحلال شورا را دادند که بعد سندیکا بتوانند به رسمیت و با قدرت کامل بعنوان نماینده‌ی کارگر فعالیت خودش را شروع بکند. در صورتیکه همین الان که خدمت شما هستم، از طرف اداره‌ی کار کندی‌کاری‌هایی دارد صورت می‌گیرد که جا دارد اینجا من از وزیر کار درخواست کنم که با مسئولان زیربیطی که عزیزان اداره‌ی کار استان تهران هستند گفتگویی بشود که به خواسته‌ی کارگر، وقتی که کتبا آمده، در خواست نوشته و درخواست انحلال شورا را می‌کند و خواهان نماینده‌ی واقعی کارگر هستند به خواسته‌اش رسیدگی کنند. ولی در صورتیکه پشت‌پرده می‌بینیم دست‌هایی در کار هستند و دارند خودشان دستور و فرمان می‌دهند که از این عمل جلوگیری بشود و کارگران نمی‌توانند به آن خواسته‌ی واقعی خودشان برسند. من بعنوان یک کارگر ایرانی به سهم خودم دست تمام کارگران دنیا را می‌بوسم و از دولت ایران و مسئولین تقاضای عاجل دارم که به

بقیه در صفحه ۲۳

برای اعضای که در جلسات حضور دارند گفتگو و آموزش داده می‌شود تا کارگران با حق و حقوق خود آگاهی و آشنایی کامل را داشته باشند که در خصوص صنف‌های دیگر هم این سلسله مراتب بهم ربط داده می‌شود. ما این آگاهی را به کارگران داده‌ایم که بعد از بیست و چندسال به حق و حقوق واقعی خودشان پی ببرند و آزادانه بتوانند تصمیم بگیرند و پیگیری بکنند جهت حق و حقوقی که از دست رفته است.

ک.ق: چه عده مثلا در یک کلاس شرکت می‌کنند؟

منصور حیات‌غیبی: اگر فشار کارفرما، یعنی مسئولان شرکت واحد و اداره‌ی کار و دست‌اندرکاران خانه کارگر، جلوگیری یا ترندهای غیرقانونی شان را کنار بگذارند، می‌توانیم به جرات بگوییم که کارگران صددرصد می‌توانند دنبال کنند. ولی با وجود فشارهایی که بر این قشر کارگر هست چیزی حول و حوش ۶۰-۵۰ درصد اعضا می‌توانند در این جلسه‌ها خودشان را بعلت فشارهای اقتصادی، مالی یا فشارهای دیگری، که اگر بخواهیم بگوییم یک کتابچه را می‌توان گفت، برای کارگران بوجود آورده‌اند که کارگران نتوانند براحتی در جلسات حضور داشته باشند و بعلت این گرفتاری‌ها و مشکلات اقتصادی‌ای که دارند مجبور می‌شوند برای امرار معاش بیشتر از شغل‌های دیگر استفاده کنند. بصورت که الان کارگران شرکت واحد بعد از ساعات کاری شان معمولا ۹۰ درصدشان شغل دومی دارند، براساس نیاز و اجبارهای اقتصادی‌ای که دارند.

ک.ق: و در نتیجه نمی‌توانند در این کلاسها شرکت کنند.

خواسته‌های مبرم کارگران الان چیست؟

منصور حیات‌غیبی: خواسته‌های کارگران طبق قوانین کار، مطالبی که در کتاب قانون کار و قانون اساسی گنجانده شده است، کارگران ما هیچگونه تقاضا یا حقی از آن خواسته‌ها فراتر ندارند، از جمله همان حق مسکن است، حق تحصیلات است که برایشان قائل نشده‌اند. در صورتیکه تمام خواسته‌های صنفی کارگران در چارچوب بهبود بهتر وضعیت زندگی کارگران برای خود و خانواده‌ی شان هست که از طرفی نه مسایل بهداشتی رعایت می‌شود، نه مسئله‌ی افزایش حقوق و نه مسکن کارگران بصورتیکه تمام مسئولان فقط می‌گویند، آقا انجام شده، فقط برای سرپوش گذاشتن، در صورتیکه در عمل هیچگونه اقدامی دیده نمی‌شود.

بیافتد و چه اتفاقی در دنیا افتاده است. من تلاش کرده‌ام که به طور دقیق و صحیح و با جزئیات حدود ۴۰۰ نوع شکنجه را شرح بدهم. این شکنجه‌ها تنها متعلق به گذشته و قرون وسطی نیستند، بلکه در روزگار ما نیز اعمال می‌شوند.

در نقدي بر کتاب شما نوشته شده که "آقای هرمان هر چیزی را که یک خرده هم درد بیاورد، جزو مقوله شکنجه آورده است.

هورست هرمان: این طور نیست. اما با وجود این و برای آنکه به موضوع پرداخته باشیم، باید بگویم که برداشت و حساسیت انسانهای مختلف نسبت به درد با هم فرق می‌کند. بعضی آدمها هستند که کتک می‌خورند و می‌گویند که این کتک برایشان شکنجه نبوده است، بعضی دیگر وقتی دندانپزشک دندانشان را سوراخ می‌کند، چنان دردی دارند که آن را شکنجه می‌نامند. به هر حال اگر شیوه شکنجه و چیزی که باصطلاح "تنها کمی درد می‌آورد" بر خلاف خواست فرد باشد، کرامت انسانی او را خدشه‌دار می‌کند.

روش شما برای تألیف این کتاب چه بوده است؟ چه معیاری برای انتخاب درآیه‌ها و مفهوما داشتید؟

هورست هرمان: در آغاز کار خود را بر روی تنها چند مفهوم متمرکز کردم، مفهومی که همه می‌شناسیم: شلاق زدن، کتک زدن، پوست کندن و مفهومی دیگر که از دوره قرون وسطی آنها را می‌شناسیم. پس از آن بسیار حیرت زده شدم، چون دیدم که کتابهایی وجود دارند که در دسترس همه هستند و چیزی در آنها پنهان نشده و در آنها روشهای مختلف شکنجه شرح داده شده است. من کار خود را با پنج تا ده درآیه شروع کردم و در پایان بیش از ۴۰۰ نوع شکنجه را بررسی کرده بودم. هیچ عضو بدن انسان نیست که برای آن روشها و وسایل خاص شکنجه اختراع نکرده باشند و تا همین امروز از آنها استفاده نشود.

آیا شما از سالها پیش در نظر داشتید که چنین کتابی را بنویسید یا در سالهای اخیر به این پروژه فکر کردید؟

هورست هرمان: من کتابهای زیادی نوشته‌ام. بیش از ۵۰ کتاب تا کنون منتشر کرده‌ام. اما همیشه به خود گفته‌ام که این وظیفه من است که به عنوان استاد دانشگاه به مواردی پردازم که اغلب در باره آنها سکوت می‌شود یا آنها را به گونه‌ای غیرواقعی به مردم نشان می‌دهند. این بود که چندین سال پیش متوجه شدم که

## "شکنجه: دائرةالمعارف دژخیمی"



انتشارات آیشبورن آلمان دائرةالمعارفی را در باره دژخیمی و پلشتی انسانها، توانایی آنان در آزار رساندن به دیگر انسانها منتشر شده است. نام کتاب "شکنجه: دائرةالمعارف دژخیمی" است و مؤلف آن هورست هرمان.

مؤثرترین کاری که می‌توان در برابر اعمال غیرانسانی انجام داد، افشای آن اعمال است. شکنجه‌گران در سیاهچال‌ها شکنجه می‌کنند، چون بزرگترین دشمن آنان افکار عمومی است. به ندرت شکنجه‌گری را بتوان یافت که از برملا شدن عملکردهایش خشنود باشد. افشای شکنجه‌گران هدف مؤلف کتاب "شکنجه. دائرةالمعارف دژخیمی Die Folter. Eine Enzyklopädie des Grauens" نیز هست. هورست هرمان Horst Herrmann، مؤلف دائرةالمعارف آلمانی شکنجه در کتاب ۳۸۴ صفحه‌ای خود به بیش از ۴۰۰ مفهوم می‌پردازد که بازگوکننده شیوه‌ها، مراسم و وسایل قدیم و جدید شکنجه هستند.

متأله و جامعه‌شناس آلمانی هورست هرمان در دهه ۱۹۷۰ به خاطر افشاگریهای خود در باره تاریخ کلیسای کاتولیک از تدریس در رشته الهیات در دانشگاههای آلمان محروم شد. دائرةالمعارفی که هرمان تألیف کرده است البته کتابی نیست که بخواهیم به قصد تفریح و آرامش روح بخوانیم. هرمان روشهای کار شکنجه‌گران و جلادان را بی‌آنکه در بیان خود احساسات را دخالت دهد شرح می‌دهد و برای این کار به منابع و مثالهای تاریخی نیز استناد می‌کند. نتیجه آن است که پژوهشگران عرصه‌های تاریخ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌توانند از اثر وی به عنوان کتابی مرجع استفاده کنند.

مصاحبه با هورست هرمان

مؤلف کتاب "شکنجه: دائرةالمعارف دژخیمی"

آقای پرفسور هورست هرمان، انگیزه و هدف شما از تألیف کتاب "شکنجه. دائرةالمعارف دژخیمی" چه بوده است؟

هورست هرمان: در باره شکنجه در سراسر دنیا صحبت زیاد می‌شود، اما کسی به طور دقیق نمی‌داند که چه اتفاقی می‌تواند

این نتیجه را می‌گیرم که به نظر شما شکنجه‌گری ربطی به فرهنگ خاصی ندارد.

هورست هرمان: نخیر. این روزها می‌بینیم که فرهنگها با هم برخورد خاصی دارند. فرهنگ غربی مسیحی می‌پندارد که فرهنگی بس ویژه است چون برای مثال به مفهوم حقوق بشر دست پیدا کرده است. در مقایسه فرهنگها با هم، به فرهنگهای بیگانه به چشم فرهنگهای کم‌ارزش نگاه می‌کنند. برای نمونه در مورد فرهنگ اسلامی می‌گویند که این فرهنگ به خوبی فرهنگ مسیحی نیست. یا برعکس هم چنین قضاوتی وجود دارد. فرهنگهای آسیایی، ژاپنی، چینی یا امریکایی همه فکر می‌کنند که از دیگر فرهنگها بهتر هستند. به نظر من این کار خوبی نیست. دست کم می‌توانم بگویم که روشهای شکنجه و مسائل مربوط به آن در همه این فرهنگها وجود داشته است. فرهنگ غرب هم نمی‌تواند بگوید که در گذشته انسان دوست بوده است. همان طور که دیگر بر همه آشکار است که در غرب هم دگراندیشان و زنادقه را تعقیب کرده‌اند و میلیونها نفر قربانی دوره انکیزیسیون شده‌اند.

چگونه می‌توان با شکنجه و شکنجه‌گران مقابله کرد؟

هورست هرمان: بدترین دشمن شکنجه‌گران همیشه افکار عمومی بوده است. آگاهی یافتن افکار عمومی، برای مثال از طریق رسانه‌ها، از شیوه‌های شکنجه و رفتار شکنجه‌گران، اغلب باعث شوکه شدن شکنجه‌گران می‌شود. سعی می‌کنند جلوی شوکه شدن را به این وسیله بگیرند که رسانه‌ها را ممنوع یا سانسور می‌کنند یا شکنجه‌هایی اختراع می‌کنند که اگر چه درد شدیدی به قربانی وارد می‌آورند اما اثری بر بدن او به جای نمی‌گذارند، برای نمونه شکنجه‌های روحی و شوک‌های الکتریکی و غیره. یعنی روشها تغییر کرده و دیگر مثل دوره قرون وسطی نیست که چشمها را از حدقه بیرون بیاورند یا دست کسی را قطع کنند. مدرک نمی‌خواهند به دست کسی بدهند. جامعه مدرن در همه جا جلوی این کار را می‌گیرد. اما موفق نمی‌شود. چون رسانه‌ها خوشبختانه هنوز هم روشن و بیدار هستند و می‌گویند که در اینجا باید تحویلی رخ بدهد. دوباره تاکید می‌کنم و می‌گویم که بدترین چیز برای شکنجه‌گران، روشها و کار آنها، افشای آنها در پهنه همگانی است. و کتابی چون کتاب من چنین عملکردی را دارد. دلیلی وجود

بقیه در صفحه ۸

بخصوص با نظر به آنچه که سازمان عفو بین‌الملل انجام می‌دهد، دانشمندان و پژوهشگران کار زیادی نمی‌کنند و رشته‌ای وجود ندارد که روشها و مسائل وحشتناک مربوط به شکنجه را که هزاران سال است در جهان وجود دارد، بررسی کند. برای همین من به خودم گفتم باید کاری کرد. البته نباید کتابی نوشت که برای سادیستها (دگرآزاران) و کسانی که می‌خواهند همه چیز را امتحان کنند، باشد. بلکه بسیاری از مردم باید بتوانند از آن استفاده کنند تا چشمهایشان باز شود که انسانها چه آزارهایی می‌توانند به یکدیگر برسانند.

به موضوعی دیگر می‌پردازم. نظرتان در باره جمله‌ای که ناشر کتاب شما "آیشبورن" در معرفی‌نامه کتابتان نوشته چیست: اینکه "تا موقعی که انسانها هستند، شکنجه و اعدام هم وجود خواهد داشت."؟

هورست هرمان: همان گونه که گفتید این جمله نه از من، بلکه از ناشر است. اما من کاملا اعتقاد دارم که این یک خصلت بشری است که به دیگران در وضعیت اضطراری یا عادی آزار برساند. گفته‌ی من به نظر وحشتناک می‌آید. اما به لحاظ تاریخی و نیز در حال حاضر این واقعیتی ثابت شده است که آدمها تمایل دارند، در صورت لزوم به همدیگر آزار برسانند. انسانها تمایلی بالقوه دارند که با خشونت از خود واکنش نشان دهند. در اینجا منظور من از انسانها در درجه نخست مردان است. من به این موضوع اشاره کرده‌ام که در طول تاریخ شکنجه همیشه مردان عامل بوده‌اند و زنان قربانی. تنها نمونه‌های بسیار کمی در عصر جدید وجود دارد که نشان می‌دهد که زنان هم سعی می‌کنند با خشونت با دیگر انسانها رفتار کنند. این پدیده‌ای جدید است. اما مردان همیشه این کار را کرده‌اند و تا امروز هم می‌کنند. مردانی هستند که این کار را با علاقه زیادی می‌کنند و در طبیعت و روحیه‌شان میل به شکنجه دادن هست. آنها جهان را به خوب و بد تقسیم می‌کنند و خود را خوب می‌دانند و محق به اینکه آدمهایی به زعم آنها بد را تعقیب، شکنجه و اعدام کنند.

زنان این طبیعت و روحیه را ندارند؟

هورست هرمان: تا جایی که ما در تاریخ می‌بینیم، از استثناءها که بگذریم، منبعی وجود ندارد که نشان دهد که زنان شکنجه کرده‌اند. از اینکه شما به طور عمومی در باره انسانها صحبت می‌کنید، من

## بقیه از صفحه ۳۰

اتهامی که علیه او وجود دارد، به اطلاعش رساند.

۳- هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت می‌گردد، باید بی‌درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که بوسیله قانون، قدرت قضائی را اعمال می‌کند، آورده شود و شایسته است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید، ولی در هر مرحله از رسیدگی قضائی، (متهم) ممکن است با تضمین آزادی (موقت) جهت حضور در دادگاه و به اقتضای حکم دادگاه موکول گردد.

۴- هر کسی که بموجب دستگیری و یا بازداشت، از آزادی اش محروم می‌گردد، حق دارد روند دادخواهی را بدین منظور که دادگاه بدون تاخیر در مورد غیر قانونی بودن بازداشتش تصمیم گیرد، دنبال نماید تا اگر بازداشت او غیر قانونی است (قاضی) دستور به آزادی او دهد.

۵- هر کس که قربانی دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی شده است، حق جبران خسارت دارد.

## ماده دهم

۱- تمام افرادی که آزادی آنها سلب می‌گردد (زندانیان) باید با آنها با انسانیت و احترام که حقیقت ذاتی شخص انسان است، رفتار شود.

۲- الف- به جزء موارد استثنائی، افراد متهم باید از محکومین جدا نگاه داشته شوند و میبایست مشمول رفتار جداگانه ای، متناسب با وضعیت افراد غیر محکوم شوند.

ب- افراد جوان متهم باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت در مورد آنها قضاوت گردد.

۳- نظام ندامتگاه باید متضمن رفتار با افرادی باشد که هدف اساسی آن اصلاح آنان و اعاده حیثیت اجتماعی شان باشد. جوانان بزهکار باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و (با آنها) متناسب سن و وضعیت قانونی شان رفتار گردد.

## ماده یازدهم

هیچکس را نباید فقط بعنوان اینکه (او) قادر به انجام تعهد قراردادی خود نیست، زندانی کرد.

## ماده دوازدهم

۱- هر کس بطور قانونی باید در قلمرو کشور، حق رفت و آمد آزاد و انتخاب آزادانه محل اقامت خود را داشته باشد.

۲- هر کس باید برای ترک هر کشوری که شامل کشور خود (نیز) است، آزاد باشد.

۳- حقوق یاد شده بالا نباید مشمول هیچ محدودیتی گردد، مگر آنکه آن (محدودیتها) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا (رعایت) حقوق و آزادیهای دیگران، ضروری بوده و بوسیله قانون مقرر گشته است و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

۴- هیچکس نباید از حق ورود به کشور خود، خودسرانه (بدون مجوز) محروم گردد.

## ماده سیزدهم

هر بیگانه ای که بطور قانونی در قلمرو کشور عضو این میثاق باشد، فقط در صورتی از آن (کشور) اخراج می‌گردد که (این اخراج) پیرو تصمیمی مطابق قانون باشد، در غیر اینصورت و در جایی که دلایل حتمی امنیت ملی ایجاب نکند، باید این اجازه به او داده شود که دلایل مخالفت خود را نسبت به (این اخراج) ارائه دهد. بدین منظور پرونده او با حضور نماینده ای که قبلاً تعیین کرده است و بوسیله مرجع صلاحیت دار و یا فرد یا افراد بخصوصی که از طرف مرجع صلاحیت دار تعیین شده اند، دوباره خوانی و رسیدگی می‌گردد.

## جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

5122,CDN - C.P. 49552, Montreal, QC H3T 2A5

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتار ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار

گیرد. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

## هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر

## گنجی را فوری آزاد کنید

## نامه کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل



در دو هزار و شصت و یکمین روز از زندان اکبر گنجی، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل با انتشار نامه جدیدی از محمود احمدی نژاد خواست با توجه به "درخواست تابستان گذشته دبیرکل سازمان ملل" شرایط "آزادی فوری این روزنامه نگار دربند" را فراهم آورد.

خانم "لوئیس آربور" در نامه‌ای که تحویل مقام‌های دیپلماتیک ایران شده است، با استناد به گزارش‌های دریافتی در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، و به ویژه شرایط نامناسب جسمی اکبر گنجی، از دولت ایران درخواست کرده است که به جامعه جهانی و مقام‌های سازمان ملل اطمینان دهد "به حقوق گنجی به طور کامل بر مبنای موازین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر احترام گذارده می‌شود".

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل با توجه به "بی‌توجهی دولت احمدی‌نژاد" به درخواست قبلی دبیرکل سازمان ملل، تاکید کرده که اکنون او نیز "با عنایت به درخواست کوفی عنان" خواستار آزادی فوری اکبر گنجی است. نامه کمیسر عالی حقوق بشر در شرایطی منتشر می‌شود که خانم معصومه شفیعی، همسر اکبر گنجی، با انتشار نامه سرگشاده‌ای، ضمن تشریح وضعیت نامناسب این روزنامه نگار دربند، تاکید کرد که "هر حادثه‌ای برای اکبر گنجی پیش بیاید، مسئولیت مستقیم آن به عهده زمامداران نظام است".

متن نامه خانم شفیعی به شرح زیر است:

امروز چهارشنبه ۲۳ آذر ۸۴، دو هزار و شصت و یک روز از حبس اکبر گنجی می‌گذرد. در آخر اردیبهشت ماه سال جاری، او به دلیل حکم غیر قانونی و غیر عادلانه و تبعیض در اجرای حکم نا عادلانه، محرومیت چند ساله از تماس تلفنی، و محرومیت از مداوای بیرون از زندان، دست به اعتصاب غذا زد.

مسئولین مربوطه بارها و بارها اعلام کردند اگر او اعتصاب غذا را بشکند، به مرخصی استعلاجی اعزام خواهد شد. وقتی حال او به

شدت رو به وخامت نهاد، او را به بیمارستان بردند. در بیمارستان هم به طور مکتوب و شفاهی به او گفته شد اگر دست از اعتصاب غذا بردارد ظرف کمتر از ۹ روز به خانه می‌رود و دیگر به زندان باز نخواهد گشت. اما مطابق معمول با دروغ و فریب و پیمان شکنی، نه تنها او را به خانه نفرستادند، بلکه در چند نوبت به خاطر اظهار عقاید و دیدگاه‌هایش او را به شدت مضروب کردند. فحش‌هایی نثار او کردند که در بدترین محله‌ها و اماکن فساد هم بر زبان نااهلان، جاری نمی‌شود. با چشم‌بند و دست‌بند و همراه با کتک او را به زندان بردند. در اثر رفتار وحشیانه ماموران ویژه دادستانی کتف چپش آسیب شدید دید به طوری که با گذشت ۳ ماه هنوز درد می‌کند. اکنون بیش از ۳ ماه است که بر خلاف قانون سازمان زندانها او را به طور انفرادی در بازداشتگاه امنیتی ۲ الف حبس کرده‌اند. مطابق ماده ۹ و ۱۰ آیین‌نامه سازمان زندانها، زندانی پس از گذراندن یک پنجم از حبس خود در بند عمومی، به زندان باز منتقل و بقیه حبس خود را در آنجا خواهد گذراند. در حالی که کمتر از سه ماه و نیم از حبس ۶ ساله آقای گنجی باقی مانده، نه تنها از زندان باز یا عمومی خبری نیست، بلکه بیش از ۳ ماه است که در بازداشتگاه انفرادی محبوس است. بیش از ۶ ماه است که از ملاقات با وکلایش محروم است. ۶۳ ماه است که ممنوع‌التلفن است. در طول ۴ ماه گذشته فقط ۲ بار فرزندان خود را ملاقات کرده است. کتاب به او نمی‌دهند: در سه ماه گذشته بارها درخواست کرده معجم قرآن در اختیار او قرار دهند اما حتی کشف‌الآیات هم در اختیار او قرار نمی‌دهند. بیماریهای او بدون معالجه ادامه دارد. از کمر درد مزمن [دیسک کمر] و زانو درد شدید رنج می‌برد. زانوهایش حتما باید عمل شوند، بسیار ضعیف شده و جز پوست و استخوان چیزی از او باقی نمانده است. طی ماه‌های گذشته ۲۷ کیلوگرم کاهش وزن داشته است. به همین خاطر میزان فشار خون، قند، پروتئین و گلبول‌های سفید و قرمزش بسیار پایین است. طی ۳ ماه گذشته حتی یک بار هم او را به بهداری زندان نبرده‌اند چون نمی‌خواهند شرایط جسمانی او را کسی ببیند. دستها و بدنش به شدت سرد است و اینها همه در حالی است که وضعیت محل نگهداری او از نظر قرار داشتن حمام و دستشویی در حیاط زندان و پایین بودن درجه حرارت محل نگهداری او، بر وخامت حالش می‌افزاید. آقایان کماکان به وعده و وعیدهای خود

بقیه در صفحه ۲۲

ترجمه: ن. نوریزاده

**کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد**

مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ / قطعنامه A 2200

قدرت اجرائی بنابر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶



قسمت دوم:

**بخش سوم****ماده ششم**

۱- هر انسانی بطور ذاتی حق زندگی دارد. این حق باید بوسیله قانون محافظت گردد. هیچکس را نمیتوان بطور دلخواه و خودسرانه از حق زندگی محروم نمود.

۲- در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، حکم مرگ فقط باید برای مهمترین جنایات، آنهم بنا بر قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جرم صادر شود و (نیز این حکم) نباید با مقررات این میثاق و میثاق منع و مجازات جرم کشتار دستجمعی Genocide منافات داشته باشد.

۳- هنگامیکه سلب زندگی (صدور حکم مرگ) جرم کشتار جمعی باشد، (در این صورت) بدیهی است که هیچ چیزی در این ماده مجاز نمی شمارد که کشور عضو این پیمان از تعهداتی که به قوانین میثاق منع و مجازات جرم کشتار جمعی سپرده است، تخلف ورزد.

۴- هر فرد محکوم به مرگ، حق دارد که درخواست عفو و یا تخفیف جرم نماید. امکان اعطاء بخشش عمومی، بخشش فردی یا تخفیف مجازات مرگ در تمام موارد وجود دارد.

۵- حکم مجازات مرگ نباید برای جرمهایی که افراد زیر ۱۸ سال مرتکب شده اند صادر شود و (نیز این حکم) نباید در مورد زنان باردار اجرا گردد.

۶- هیچ چیز در این ماده جهت به تاخیر انداختن و یا منع الغای مجازات اعدام از طرف کشور عضو این میثاق، قابل استناد نمی باشد.

**ماده هفتم**

هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیر انسانی و وحشیانه قرار گیرد. بویژه کسی را نباید بدون رضایت آزادانه اش در معرض آزمایشات پزشکی و علمی قرار داد.

**ماده هشتم**

۱- هیچکس نباید در بردگی نگاه داشته شود. بردگی و تجارت برده با تمام اشکال آن ممنوع میباشد.

۲- کسی نباید در خدمت اجباری نگاه داشته شود.

۳- الف: هیچکس را نباید به کار اجباری و انجام عمل تحمیلی وادار نمود.

ب: بند سوم (الف) نباید برای کشورهایی که اعمال شاقه را بمثابه مجازات جرم در نظر میگیرند، مانعی ایجاد کند، بدیهی است حکم چنین مجازاتی (مجازات مجرم با اعمال شاقه) باید بوسیله دادگاه صالحه صادر گردد.

ج: برای (روشن شدن) مفاد این بند، واژه کار تحمیلی و اجباری شامل موارد زیر نمی باشد:

I - هر کار یا خدمتی که به زیر بند (ب) عطف نشده است که معمولاً به فردی که در نتیجه حکم دادگاه تحت بازداشت است و یا به فردی که در حین برخورداری مشروط از این نوع بازداشت، تکلیف میگردد.

II - هر نوع خدمت شخصی نظامی در کشورهایی که موضوع خدمت وظیفه برسمیت شناخته نشده است، هر نوع خدمت ملی مقرر شده که بوسیله قانون خدمت وظیفه پذیرفته نشده است

III - هر نوع خدمتی که در موارد اضطراری یا بلایائی که زندگی و رفاه جامعه را تهدید میکند، مقتضی می باشد.

IV - هر کار یا خدمتی که قسمتی از تعهدات (اجتماعی) مدنی را تشکیل دهد.

**ماده نهم**

۱- هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچکس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند.

۲- هر کسی که دستگیر میشود باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و (نیز) باید بدون درنگ هر

بقیه در صفحه ۲۸